

ایران آینده

درافق ۱۴۰۴

ویژه نامه ششمین جشنواره سالانه
کاریکاتور حوزه هنری خراسان شمالی



مدیرکل امور دولت دبیرخانه
مجمع تشخیص مصلحت نظام
ماهیت سند
چشم انداز ایران
درافق ۱۴۰۴
فرهنگی است

مجموعه ۵

معاون فرهنگی هنری اداره کل امور
استانها و مجالس حوزه هنری
فعالیت های ما
در حوزه، محصول
نگاه اعتقادی مان
به هنر است

مجموعه ۵



021/10000000000

سند چشم انداز



- * سند چشم انداز بیست ساله‌ی کشوری یک کار اساسی و مهم است؛ افق آینده‌ی کشور را برای آحاد مردم روشن و مشخص می‌کند.
- * چشم انداز بیست ساله‌ی ابلاغ شده به مسؤولان سیاستگذاری و برنامه‌ریزی، یک امر عملی و منطقی و قابل تحقق است. نباید تصور شود کلماتی که در چشم انداز بیست ساله پشت سر هم نوشته می‌شود، صرفاً یک آرزوست و بدون محاسبه‌ی عملی است.
- * سند چشم انداز یک مسأله‌ی فرادولتی است؛ مال این دولت و آن دولت و این سیاست و آن سیاست و این جریان و آن جریان نیست؛ این سند، در واقع برنامه‌ی کلان بیست ساله‌ی ماست و یک سند به معنای حقیقی کلمه است.
- * وجود سند چشم انداز، یکی از امکانات باارزش نظام جمهوری اسلامی است.
- * جهتگیری‌های برنامه‌ای و کاری دولت را با شاخص سند چشم انداز بسنجید. این سند چشم انداز چیز مهمی است بعد از قانون اساسی، ما هیچ سندی را در کشور به این اهمیت نداریم.
- * در سند چشم انداز، آینده‌ای در نظر گرفته شده که برای ملت ایران این آینده لازم و شایسته است.
- * نگاه به آن آینده، خستگی راه را می‌زداید و ایمان به آن، تردیدها و تزلزل‌ها را از بین می‌برد.

یادداشت از منظر

جامعه‌شناسان، جامعه‌های زنده، پویا و رشد یافته است که بین افرادش نوعی انسجام، اتحاد و هماهنگی وجود داشته باشد. به معنای دیگر در یک جامعه زنده به مانند یک فرد زنده، بین همه اقشار و گروه‌های آن هماهنگی است؛ یعنی همه



با هم یک مسیر و هدف را تعقیب کرده و با نقشه راه به سوی یک هدف و مقصد رهسپارند. از ویژگی‌های این جامعه آن است که همه برای گره‌گشایی از مشکلات و رشد و پیشرفت کمی و کیفی کشور در تلاش هستند. در این میان نخبگان جامعه نقشی تعیین کننده و هدایت‌گر دارند و با مشاهده وضعیت موجود یعنی امروز جامعه و ترسیم وضعیت مطلوب یعنی آینده‌ای متعالی، در جهت رسیدن به اهداف و آرمان‌ها تلاش کرده و جامعه را نیز با خود همراه می‌سازند. این هم‌افزایی و ارتباط پیوسته میان نخبگان و عموم، ملتی متحد را پدید می‌آورد که آرمانی واحد دارند و به سوی یک هدف متعالی در حرکت‌اند. اغلب هنرمندان نیز از جمله نخبگان جامعه‌اند. هنرمند به واسطه اثرگذار بودنش در جامعه، می‌تواند علاوه بر مشاهده امروز جامعه، افق دید خود را گسترش داده و به آینده نیز نگاه کند. او در عین مشاهده ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود، معضلات و کاستی‌ها را نیز دیده و هشدار می‌دهد و با تصویر مولفه‌های پیشرفت و سعادت جامعه در قالب هنر، آینده‌ای روشن را نیز بشارت می‌دهد.

در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی و خصوصاً سند چشم‌انداز بیست ساله در افق ۱۴۰۴، ایران کشوری پیشرفته در تمامی ابعاد و در بالاترین رتبه در منطقه تصویر شده است. امروز ما در میانه این راه بیست ساله ایستاده‌ایم و لازم است که نسبت به عملکرد گذشته و راهی که تا افق ۱۴۰۴ در پیش داریم، تحلیلی درست داشته باشیم و به این سوال اصلی پاسخ دهیم که برای مردمی شدن موضوع سند چه باید کرد؟

پاسخ به این سوال باعث گردید تا دبیرخانه ششمین سالانه جشنواره سراسری کاریکاتور حوزه هنری خراسان شمالی موضوع این دوره جشنواره را «ایران آینده در افق ۱۴۰۴» قرار دهد. چرا که از نگاه کارشناسان، مهم‌ترین اقدام برای مردمی شدن موضوع سند چشم‌انداز، تبیین و ترویج هنری مفاد و اهداف آن است.

دبیرخانه این جشنواره در دوره‌های گذشته این افتخار را داشته که همواره تفکری مسئولیت‌پذیر و دغدغه‌مند نسبت به برخی موضوعات مورد تأکید نظام یا ضرورت‌ها و معضلات امروز جامعه داشته باشد. گواه آن انتخاب موضوعاتی همچون مسأله جمعیت، تحریم، جنگ نرم و سبک زندگی در خانواده ایرانی در دوره‌های پیشین است. و اما موضوع ایران آینده در افق ۱۴۰۴ نیز که از زمان ابلاغ سند در سال ۱۳۸۴، بارها مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بوده است. از قابلیت‌های خاص هنر کاریکاتور و هنرمندان کارتونیست کشور ما این است که می‌توانند با بهره‌گیری از ذهن نکته‌سنج خویش و تولید آثار هنری، به فاصله میان آن چیز که هست و آن چیز که باید باشد پرداخته و آن را به تصویر بکشند.

به طور قطع امید دست‌اندرکاران این جشنواره و هنرمندان کارتونیست شرکت‌کننده در آن، ساخت

آینده‌ای بسیار روشن و درخشان برای ایران عزیز است. آینده‌ای که به برکت اسلام و ایمان، مجاهدت و تلاش همه مردم و مسئولان محقق خواهد شد.

میثم مرادی بیناباج
رییس حوزه هنری خراسان شمالی

حتی اگر نبود بعضی اشارات های وحیانی و نویدهای رسول مهربانی و خاندان مکرمش در نقش مهم ایرانیان در آینده جهان و ایجاد حکومت صالحان، باز هم برای اهل تأمل و صاحبان فراست، دلالت‌های فراوانی وجود داشت که فرزندان این مرز و بوم در تغییر مسیر تاریخ جایگاه ممتاز خواهند داشت؛ همچنان که با پیروزی انقلاب اسلامی نشانه‌های این تغییر بزرگ نمایان شده است.

صراط روشنی که اگرچه پیمودن آن چندان آسان نیست و دشمنان و ساده‌انگاران چه از درون و چه از بیرون کشور با تلاش برای القای روح ناامیدی و ناتوانی یا تضعیف روحیه خطرپذیری و خودباوری در این راه سنگ اندازی می‌کنند. با این حال، با نگاهی دقیق به وضعیت امروز ایران در جهان و چینش بازیگران صحنه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی در نقشه دنیای آینده می‌توان از فروغ این خورشید، انوار خودباوری، عزت نفس و بیداری را در سرتاسر جهان به تماشا نشست.

ان شاءالله هنرمندان عزیز می‌توانند با باور به حرکت، بهبود و تعالی در مسیر تبیین چشم‌انداز ایران سرفراز و آینده این سرزمین اسلامی قدم برمی‌دارند؛ در پناه خداوند متعال سر بلند و موفق باشید.

محسن مومنی شریف
رییس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

افشای انحرافات، رجوع به پایگاه رهبران فکری، پیشگیری از تهدید ثبات اجتماعی و مدیریت افکار عمومی می‌پردازد. اگر به هنر کاریکاتور به مثابه یک رسانه جمعی نگاه کنیم می‌توان هر چهار نقش مذکور را برای این رسانه هنری قائل شد. اما به نظر می‌رسد کارکرد اول و دوم در این رسانه بیش از کارکردهای دیگر نمود دارد.

حوزه هنری استان خراسان شمالی طی شش سال گذشته پایه‌گذار جشنواره‌ای در حوزه کاریکاتور بود که جهت‌گیری‌های هوشمندانه‌ای را در بین هنرمندان کاریکاتور بیست کشور رقم زده است. انتقاد هنرمندانه به شرایط موجود و تجسم خلاق آینده‌ای بهتر در افق زمانی ایران ۱۴۰۴ که هنوز به طور کامل محقق نشده از زاویه نگاه هنرمندان کاریکاتور بیست خواهد توانست تفسیرهای عمیقی از زیربنا و روینای جامعه به مردم و مسئولین ارائه نماید.

امید است حرکت ارزشمندی که شما هنرمندان عزیز در این جشنواره پایه‌گذاری کردید، به ارتقای سواد فرهنگی و تصحیح نگرش‌های مخاطب نسبت به آینده منجر شده و انتشار این آثار، دقایقی مخاطب را به فکر و تأمل وا دارد.

پیروز و پاینده باشید.

مجید مصلحی
مدیر کل امور استان ها و مجلس حوزه هنری



یادداشت چشم‌انداز فردای ایران اسلامی، ترسیم مقصدی دست یافتنی و آینده‌ای روشن است که رسیدن به آن در گرو همت، همدلی و تلاش همه فرزندان این سرزمین است. در این میان هنر و هنرمندان در ایجاد تصویری حقیقی و امیدبخش از ایران آینده و بیان موانع و کاستی‌های احتمالی در این مسیر، نقش مهم و منحصر به فردی دارند. به این معنا قدم گذاشتن در این راه که در آن چراغ‌های امید و خودباوری می‌درخشند، اقدامی ستودنی و تلاشی شایسته‌ی تقدیر است.

از حوزه هنری استان خراسان شمالی برای برگزاری مسابقه کاریکاتور با موضوع ایران آینده و شما هنرمندان ارجمندی که به دعوت آن پاسخ مثبت داده‌اید، سپاسگزارم.



یادداشت صاحب نظران کارکردهای متفاوتی برای رسانه‌ها بیان کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که رسانه‌ها دارای چند کارکرد مهم هستند:

۱. نظارت بر محیط (نقش خبری)؛
۲. ایجاد همبستگی اجتماعی در واکنش به محیط (نقش ارشادی یا راهنمایی)؛
۳. انتقال میراث فرهنگی (نقش آموزشی)؛
۴. سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت.

در کارکرد نخست، رسانه‌ها به نظارت، مراقبت، تهیه و رساندن خبر دست می‌زنند و در دومین کارکرد، وظیفه انتخاب و تفسیر اطلاعات در محیط را بر عهده دارند. در اینجاست که رسانه، حامل انتقادات و پیشنهادهایی برای چگونگی نگرش افراد به واقعیت‌هاست. در این نقش، رسانه به تقویت ارزش‌های اجتماعی، اجماع و

معاون سیاسی امنیتی استاندار خراسان شمالی:

توجه به فرعیات باعث عدم موفقیت در تحقق اهداف سند چشم‌انداز شده است



معاون سیاسی امنیتی استاندار خراسان شمالی کم توجهی به نظرات تخصصی و خرد جمعی، فراموشی برخی اصول و تبدیل برخی فرعیات به مسایل اصلی را باعث عدم موفقیت مناسب در جهت تحقق اهداف سند چشم‌انداز عنوان کرد.
محمد رحیم نوروزیان در گفتگو با ستاد خبری ششمین جشنواره کریکاتور حوزه هنری خراسان

شمالی، با بیان اینکه در ده سال اخیر در تحقق اهداف سند چشم‌انداز موفق نبوده‌ایم، ضمن اشاره به کارکرد مثبت برگزاری جشنواره‌های هنری با این موضوع، خاطر نشان کرد: «هنر زبان و قالبی است که امروزه کاربرد و تأثیر بسیار شگرفی دارد و چنانچه از ذوق و سلیقه هنرمندان در این زمینه استفاده شود، حتماً می‌توانیم مفاهیم را از قالب خشک آکادمیک به میان مردم آورده و آنها را هرچه بیشتر عمومی و اجتماعی کنیم.»

وی در پاسخ به سؤالی در رابطه با نسبت آشنایی و همراهی مردم با سند چشم‌انداز، همراهی جامعه با اهداف این سند را همراه با مشکل ارزیابی کرده و افزود: «نه تنها در همراهی عموم مردم با سند چشم‌انداز (به دلیل ناآشنایی آنها) مشکل وجود دارد که با کمال تأسف، در بین مسئولان و نخبگان هم در سال‌های گذشته، در این رابطه همراهی خوبی دیده نمی‌شود و لذا توجه جدی و بسیج همگانی باید برای این مهم صورت گیرد.»

نوروزیان ضمن تأکید بر نقش دستگاه‌های فرهنگی برای انتقال محتوای سند به جامعه در قالب‌های هنری، افزود: «دستگاه‌های فرهنگی حتماً می‌توانند با استفاده از چاشنی هنر در این مورد تأثیرگذار باشند لیکن این کار اگر در چهارچوب برنامه تعریف شده صورت نگیرد، مبدل به موازی‌کاری و اقدام‌های جزیره‌ای مرسوم خواهد شد و صرفاً بدل به رقابت‌هایی مبنی بر مطرح کردن خود شده و آثار و بهترینی را عرضه خواهد کرد.»

معاون سیاسی امنیتی استاندار خراسان شمالی در پاسخ به پرسشی با این مضمون که هنرمندان تا چه حد می‌توانند دغدغه‌ها و موضوع‌های مورد تأکید نظام و مقام معظم رهبری را تبدیل به گفتمان عمومی کنند، نقش هنرمندان در این رابطه را بسیار پررنگ عنوان و خاطر نشان کرد: «شرط آن این است که اولاً هنرمند عزیز، خود چنین دغدغه‌ای داشته باشد و در ثانی برای بیان دغدغه‌ها در قالب هنر، به ایشان میدان و فرصت توأم با تحمل و سعه صدر داده شود.»
نوروزیان در پایان با بیان اینکه چنانچه هنرمند در جهت دغدغه مردم اثر هنری خلق کند و مبنای درست کار هنری متناسب با جامعه اسلامی را مد نظر قرار دهد، ابزار امیدواری کرد با حمایت و نگاه ویژه متولیان به هنرمندان، از آفات جامعه و هزینه‌های رفع آن کاسته شود.

تمام مردم کشور خواهد بود. هنرمندان می‌توانند خالق رؤیای فردای ایرانیان باشند و شاید هیچ سندی به زیبایی سند چشم‌انداز بیست ساله نظام که تا کنون ده سال آن سپری شده، نتواند به خلق یک رؤیای ملی منجر شود. تا ذهن و عالم خیال هنرمند نسبت به موضوعی تحریک نشود نمی‌توان انتظار خلق اثری هنرمندانه را از وی داشت.

حوزه هنری با توصیه شورای فرهنگی دفتر مقام معظم رهبری، از سال پیش در حال طراحی مجموعه اقداماتی است که با استفاده از زبان هنر بشود موضوع چشم‌انداز آینده ایران را برای مردم و مسئولان تبیین و ترویج کند. خوشبختانه در این زمینه تفاهم‌نامه خوبی هم با دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام منعقد شده که با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی ان‌شاءالله بتوانیم ظرف ده سال آینده، از ظرفیت مردمی برای تحقق کامل اهداف چشم‌انداز استفاده کنیم. به نظر می‌رسد که هنرمندان می‌توانند نقشی بسیار مهم و اساسی در این خیزش مردمی داشته باشند.

ضمن خسته نباشید به همه همکارانم در حوزه هنری خراسان شمالی امیدوارم آثار برگزیده این جشنواره در معرض دید همه شهروندان کشور قرار گرفته و مخاطب‌های ساکن در استان‌های دیگر نیز این آثار را ببینند.

داوود ضامنی، معاون برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی امور استان‌ها و مجلس حوزه هنری

جشنواره در نمایشگاه‌های مختلف به نمایش درآمده‌اند، نشان دهنده سطح بالای کیفی آثار به گواه هنرمندان و پیشکسوتان کریکاتور در کشور است. علاوه بر این، روش کار جشنواره نشان از این دارد که اتفاق فکر جشنواره، جهت‌گیری‌های خود را در راستای سیاست‌های کلی حوزه هنری در هر دوره تنظیم کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مردم و بخش قابل توجهی از مسئولان و نخبگان، با سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ آشنایی دقیقی ندارند. یکی از نقاط ضعفی که دستگاه‌های اجرایی طی ده سال گذشته نتوانسته‌اند در ترویج سند چشم‌انداز چندان موفق باشند، به این مسأله باز می‌گردد که آنها نتوانسته‌اند حساسیت‌های لازم را بین جامعه در این خصوص برانگیخته نمایند. متأسفانه طی ده سال گذشته کوتاهی‌های زیادی از سوی دستگاه‌های اجرایی و دولت صورت گرفته است. در همه کشورها، وقتی یک راهبرد ملی قرار است مردمی شود آن را به هنرمندان می‌سپارند، زیرا هنرمندان به خوبی می‌دانند چگونه افکار عمومی را با استفاده از زبان هنر تحریک و حساس کرده و حتی مهندسی کنند.

هنر از نظر ما بی جهت و بی تمهید نیست. هنر بایستی به چیزی تمهید باشد. حال اگر این امر، میثاق ملی یک کشور باشد طبیعتاً مخاطبش دیگر یک قشر یا گروه یا افرادی خاص نیستند، بلکه مخاطب آن



یکی از مطالباتی که رییس محترم حوزه هنری در سخنان خود مکرر به آن اشاره کرده‌اند، توجه حوزه هنری به مقتضیات روز کشور و جهت‌گیری هنرمندانه نسبت به خلق آثار مطلوب و تأثیرگذار در زمان حال است. قطعاً جشنواره‌های دوره‌ای که در مراکز استان‌ها برگزار می‌شود بایستی به این موضوع توجه ویژه داشته باشند.

جشنواره کریکاتور که حوزه هنری خراسان شمالی ششمین دوره آن را با موضوع ایران آینده برگزار می‌کند، یکی از بارزترین جشنواره‌هایی است که در راستای همین مطالبه حرکت کرده و به نظر بسیاری از کارشناسان، جشنواره‌ای بسیار وزین است. مشارکت و وسیع هنرمندان جوان از سراسر کشور و کیفیت آثار برگزیده‌ای که در دوره‌های مختلف

فعالیت‌های مادر حوزه، محصول نگاه اعتقادی مان به هنر است



مهدی حبیبی معاون فرهنگی هنری اداره کل امور استان‌ها و مجلس حوزه هنری است. با وی درباره اهمیت برگزاری جشنواره‌هایی همچون ایران آینده که اهداف بالادستی نظام را تبیین می‌کند به گفتگو نشستیم. او نگاه حوزه هنری را نگاهی اعتقادی و در مسیر انقلاب اسلامی ارزیابی می‌کند که باعث به وجود آمدن مسئولیت در هنرمندان نسبت به جریان‌های رواج‌تری و تولید آثار ماندگار در حوزه‌های مختلف از سوی دیگر شده است. با هم این گفتگو را می‌خوانیم.

همان طور که اشاره کردید، حوزه هنری وظایفی را برای تبیین اهداف بلند مدت نظام در قالب هنر تعریف کرده است. باقی ارگان‌های فرهنگی چه وظایفی دارند و آیا آنها هم به وظایف خود در این زمینه به درستی عمل کرده اند یا خیر؟

حوزه هنری با دیگر نهادهای فرهنگی که به صورت موازی عمل می‌کنند یک تفاوت عمده دارد. تعبیری هم که مقام معظم رهبری اخیراً داشتند، تکلیف را کاملاً مشخص کرده است. ما متعلق به تفکر انقلاب اسلامی هستیم. تعلق به تفکر انقلاب اسلامی باعث می‌شود که از کارهای هرز و بی‌فایده خودداری کنیم. یعنی مرز کار مفید و غیر مفید برای ما حرکت بر مسیر نشانه‌های انقلاب اسلامی است و این بسیار مهم است. یعنی کار بدون هدفی که بدون ارزش تولید شده باشد، در دستور کار ما نیست. اما در برخی از نهادها می‌بینیم که انرژی و پول و همه امکانات خود را می‌گذارند، ولی خروجی وجود ندارد. چرا؟ چون تکلیف‌شان به عنوان یک شاخص یا مخاطب معلوم نیست و مشخص نیست برای چه مخاطب و چه هدفی کار تولید می‌کنند. آنچه به ما کمک کرده و به ویژه نگاه ویژه‌ای که مقام معظم رهبری به حوزه داشته‌اند، این بوده که ما به واقع تکلیف خودمان را می‌فهمیم. برخی از کارهایی هم که مراکز ما در استان‌ها انجام می‌دهند و به قول معروف در کشور گُل می‌کند - به عنوان نمونه همین جشنواره جمعیت و ایران آینده در خراسان شمالی - محصول همان نگاه اعتقادی است. نگاهی است که دیگر درگیر اداهای روشنفکری نیستیم که ژستی بگیریم که کسی خوشش بیاید یا برخی به به و چه چه بکنند و ... نه! واقعا آنچه تکلیف ما است و نظام فکری ما به عنوان اولویت برای مان تبیین کرده را انجام می‌دهیم. در این نظام ارزشی هم همه مکلف هستیم که وظیفه‌مان را انجام دهیم. به تعبیری همان فرمایش حضرت امام (ره) که ما وظیفه را انجام می‌دهیم نتیجه با کسی دیگر است. مهم این است که کار درست را درست انجام بدهیم. چون در حوزه ساختارهای بروکراتیک کم است، لایه‌ها ارتباط نزدیکی با هم دارند، تعامل زود منتقل می‌شود، ما درگیر حواشی کمتری نسبت به دیگران هستیم و کارها از کارآمدی بیشتری برخوردار است و نمونه‌های آن را در بخش‌های مختلف هم می‌توانیم رصد کنیم. با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

را می‌گیرد نشان دهیم، یا به واسطه طنز، تلخی‌هایی را که به واسطه یک تصمیم غلط اجتماعی گرفته شده را نقد کنیم. قطعاً تأیید می‌کنید که رویکرد دوم بسیار بهتر از رویکرد اول است، چون رویکرد اول محصول روزمرگی و بی‌برنامگی است اما رویکرد دوم محصول هدفمند بودن است. آنچه در چشم‌انداز دنبال می‌شود، و اگر درست برای هنرمندان تبیین شود می‌تواند مؤثر باشد، همین نگاه است. یعنی ما در جشنواره ایران آینده به دنبال این هستیم که تبیینی هنری برای چنین اتفاقی داشته باشیم. شما تا چشم‌انداز نداشته باشید و تا برای جامعه آرزو نسازید، مطمئناً این امر محقق نمی‌شود. حتی در هر خانهدی هم آرزوهایی وجود دارد؛ به عنوان مثال جزو برنامه‌های خانواده این است که خانه‌ای خریداری کند، خودرو و ... داشته باشد و امثال هم. اگر قرار باشد با این مسأله عادی برخورد شود، همه درآمد صرف امور روزمره خواهد شد، اما وقتی فرد برنامه و چشم‌انداز داشته باشد، قطعاً صرفه جویی کرده و با تدبیر، به اهداف خود می‌رسد.

به نظر شما برگزاری جشنواره‌هایی مانند جشنواره جمعیت تا چه اندازه تأثیرگذار هستند و اینکه چه باید بکنیم که اثرگذاری این جشنواره‌ها بیشتر شود؟

اینکه جشنواره جمعیت تا چه اندازه تأثیر داشته را مدیران خراسان شمالی بهتر می‌توانند تشریح کنند. اما من می‌دانم که این جشنواره قطعاً خروجی‌های خوبی داشته است؛ یعنی مجموعه آثار این جشنواره به صورت کتاب در آمده و در نمایشگاه‌های مختلف حضور پیدا کرده است. اعتقاد بنده این است که اگر جشنواره‌ها از آن منطری که عرض کردم برگزار شود، یعنی ما بنشینیم و فکر کنیم برای تحقق یک هدف و حتماً خروجی داشته باشد، (خروجی به این معنا که ما بتوانیم با محصولاتی را که هنرمندان در بخش‌های مختلف یک جشنواره تولید می‌کنند، گفت‌مان سازی کنیم، یعنی عموم مردم و لایه‌های مختلف اجتماعی از آن بهره ببرند) تردید نکنید که تأثیرگذار خواهد بود. من معتقدم که آثار چنین جشنواره‌هایی اولاً باید کیفیت داشته باشد، ثانیاً برای خروجی‌های آن باید نگاه ترویجی وجود داشته باشد، یعنی ما باید گروه‌های هدف‌مان را شناسایی کنیم و محصول را باید به دست آنها برسانیم تا تأثیر آن را ببینیم و نکته بعدی هم این است که حتماً باید از یک استمراری هم برخوردار باشد. مثلاً همین جشنواره کاریکاتور که با موضوع‌های مختلف هر سال در حال برگزاری است، چنین ویژگی‌هایی را دارد.

به عنوان نخستین پرسش بفرمایید که مسئولیت هنرمندان را در برابر اتفاق‌های روز جامعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اینکه هنرمندان مسئولیت دارند یا ندارند، اگر مبنای ما فرمایشات مقام معظم رهبری باشد، قطعاً مسئولیت دارند؛ یعنی شعرا مسئولیت دارند، نویسندگان مسئولیت دارند، هنرمندان تجسمی مسئولیت دارند، فیلمسازها مسئولیت دارند و قس علی هذا. این مسئولیت هم به علت نگاه ارزشی است که ما به هنر داریم. برای توضیح این جمله باید گفت که یک نوع تفکر وجود دارد که معتقد است هنر برای هنر است و در نتیجه، ارزش و باورهای هنرمند در این تفکر تعیین‌کننده نیست. اما در منطق انقلاب اسلامی، هنرمند قطعاً دارای دغدغه و دارای جهت‌گیری فکری است و جبهه حق و باطل دارد. به همین دلیل نمی‌توان گفت که به عنوان مثال مجید مجیدی و محملمیاب هنرمندانی با یک تراز هستند. چیزی که این دو را متمایز می‌کند، واکنش‌های شان است که بر اساس ارزش‌ها و باورهای شان نسبت به اتفاق‌های پیرامونی نشان می‌دهند. شما می‌بینید که وضعیت مجیدی چگونه است و محملمیاب در چه وضعیتی قرار دارد؛ اینکه با اسرائیلی‌ها هم بی‌پاله شده و پشت کرده بر ارزش‌هایی که بدان‌ها باور داشته و روزی برای آنها فیلم ساخته است.

با این تفاسیر وظیفه هنرمندان در نگاه آینده نگر همچون تبیین سند چشم انداز چیست؟

اجازه بدهید این مسأله را با یک مثال توضیح دهم. مدیر حوزه هنری در خراسان شمالی، دو رویکرد می‌تواند داشته باشد. یک رویکرد این است که در اتاق خود بنشیند و هنرمندانی از بجنورد و دیگر شهرهای استان بیایند و برای او طرح بیاورند؛ این طرح‌ها ممکن است از زیباسازی شهر بجنورد باشد تا ساخت فیلم برای یکی از مفاخر بجنورد و تئاتری برای معلولان و دیگر طرح‌ها. یک رویکرد دیگر هم این است که رییس حوزه خراسان شمالی، به همراه کارشناسان خود، اولویت‌ها، تکالیف و ماموریت‌های سازمان خود را رصد کند و متناسب با ماموریت‌های خود دستورالعمل تولید کند و به مسئول واحد تجسمی حوزه در استان خود بگوید که من امسال می‌خواهم با موضوع جمعیت که موضوع مهمی است و جزو دغدغه‌هایی است که باید بدان بپردازیم و جزو ماموریت‌های حوزه هنری است، شما فراخوان بده و از هنرمندان دعوت به عمل بیاور تا آثاری تولید کنند؛ رویکرد ما هم باید اینگونه باشد که آسیب‌هایی که از قیل کاهش جمعیت گریبان جامعه



مدیرکل امور دولت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام: ماهیت سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ فرهنگی است

احسان نمازی زاده، مدیرکل امور دولت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام است. گفتگو با وی به دلیل حمایت و حساسیت‌های ویژه مجمع تشخیص مصلحت نظام به بحث نهادینه سازی سند چشم‌انداز صورت گرفت. او معتقد است که ماهیت سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ همچون ماهیت انقلاب اسلامی، فرهنگی بوده و لازم است به بعد فرهنگی آن توجه ویژه‌ای شود.

داشتیم این بود که بخش ویژه‌ای را در همه جشنواره‌ها به عنوان چشم‌انداز ایجاد کند. یا به همین صورت از شورای فرهنگ عمومی کشور که در همه استان‌ها فعال است و نمایندگان محترم ولی قبیله در استان‌ها، استانداران و ... اعضای آن هستند، خواستیم که در این زمینه فعالیت کنند یا کسانی که در بخش خصوصی در زمینه‌های فرهنگی فعالیت دارند مثل مؤسسه‌های فرهنگی و هنری، دفاتر تبلیغاتی و ... باید با اینها تعاملی برقرار شود تا بخش خصوصی هم بتواند نقش خود را در این مورد ایفا کند. به همین صورت دبیرخانه کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور، تشکلهای دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف، سازمان‌های مردم‌نهاد، هیأت‌های مذهبی، خیریه‌ها و ... در واقع می‌توان این طور گفت که مجموعه‌هایی که با شبکه وسیعی از مردم در ارتباط هستند می‌توانند بحث تبیین و ترویج سند را پیگیری کنند و هزینه‌های هم در بر ندارند، یعنی نگاه ما در بحث تبیین و ترویج هم همان نگاه اقتصاد مقاومتی است. یعنی هر ساله وزارت فرهنگ و ارشاد برای برگزاری این جشنواره‌ها دارد هزینه‌ای انجام می‌دهد و می‌تواند بحث تبیین سند را در کنار این جشنواره‌ها انجام دهد. انصافاً حوزه هنری خوب وارد میدان شده و جا دارد که از فعالیت‌هایی که حوزه در حوزه‌های مختلف، از کاریکاتور تا موشن گرافیک و مستند و غیره انجام می‌دهد، تقدیر و تشکر شود. سایر مجموعه‌ها هم لازم از این مدل استفاده کنند. به نظر شما تا چه اندازه ما در استفاده از ظرفیت موفق

هنر برای این منظور عمل کرده‌ایم؟

راجع به ظرفیت هنر باید گفت که این مسأله از بدیهیات است و احتیاجی به صحبت ندارد. زبان گویای هنر رستارین زبان است و اگر در قالب نوشتار بیاید که ماندگارترین زبان هم هست. متأسفانه برخی از مردم به اهداف سند باور ندارند و احساس می‌کنند که موارد مطرح شده در سند رؤیاپردازی است. اما باید گفت که هم بررسی تطبیقی وجود دارد که این اتفاق افتاده است و هم تاریخ و فرهنگ ما نشان داده که این امر دست یافتنی است. مقام معظم رهبری در یکی از بیانات خود فرمودند (نقل به مضمون) که امیر کبیر فعالیت‌های خود را در یک بازه حدوداً دو ساله انجام داده است؛ این یعنی اینکه «می‌شود». اگر ما باور قلبی داشته باشیم، وحدت داشته باشیم و از ظرفیت‌های مان استفاده کنیم، این امر شدنی است. کافی است که نخبگان، هنرمندان و دیگر اقشار به این باور برسند. برای ملت ایران احراز جایگاه اول در منطقه چیزی نیست و ما اهداف بسیار بالاتری در سر می‌پرورانیم. در واقع ما کار خیلی سختی در پیش نداریم به شرطی که به این باور برسیم، نخبگان ما پیشرو شوند و ان‌شاءالله یک باور و عزم عمومی ایجاد شده و به اهداف سند برسیم تا در گام‌های بعدی به رقابت با دیگر کشورهای دنیا شویم. این کار سختی نیست.

[نسخه کامل این گفتگو را می‌توانید در artbojnour.ir بخوانید]

توجه قرار گرفته است؟

مقام معظم رهبری، حقاً و انصافاً بسیار هوشمندانه نکات مختلف را تشخیص داده و بدان اشاره می‌کنند. به هر حال باید توجه داشت که ظرف کار ما و از آن مهم‌تر ظرف انقلاب اسلامی پیش از هر مقوله‌ای فرهنگی است و انقلاب ما ماهیتی فرهنگی دارد و حضرت آقا هم به خوبی به این نکته اشاره کرده‌اند. در واقع همه ما باید دست به دست هم بدهیم تا فرهنگ مربوطه ایجاد شده و به زبان دیگر راه باز شود. اگر این فرهنگ ایجاد شده و راه باز شود، بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد. ولی در خصوص آنچه اشاره کردید، به اعتقاد من راضی کننده نیست. لازمه دست‌یابی به اهداف مطرح در سند‌های بالا دستی هم این است که با سرعت شتابنده‌ای به سمت جلو حرکت کنیم و ضعف‌هایی که در گذشته داشتیم را بتوانیم به قوت تبدیل کنیم.

به نظر می‌رسد نه تنها بین عموم مردم که متأسفانه بین برخی از مسئولان هم سند چشم‌انداز و اهمیت آن به درستی تبیین نشده است. فکر می‌کنید که دولت چه وظایفی در این خصوص دارد و آیا تا به حال در انجام وظایف خود موفق بوده یا خیر؟

برای اینکه این اتفاق بیفتد، لازم است که سند چشم‌انداز تبدیل به یک جریان فرهنگی در کشور شود، چرا که اگر تبدیل به جریان فرهنگی شود، لاجرم بدل به مطالبه عمومی مردم خواهد شد. همه دستگاه‌ها، اعم از دستگاه‌های تبلیغی، ارگان‌های دولتی، فعالان اقتصادی، واحدها و نهادهای صنفی و غیره لازم است دست به دست هم دهند تا فرایند حساس سازی صورت بگیرد. یعنی در گام اول مردم ما باید نسبت به سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ حساس شوند. در گام دوم است که تبیین و ترویج باید صورت بگیرد. اما مسأله این است که تا صحبت از تبیین و ترویج به میان می‌آید، همه فکر می‌کنند که باید فیلم ساخته شود، برنامه تلویزیونی تولید شود یا روزنامه‌ها به آن بپردازند. اینها لازم است اما همه مسأله تبیین و ترویج در این امور خلاصه نمی‌شود. مجموعه‌هایی که در کشور دارای شبکه‌های اجتماعی و انسانی هستند مانند مجموعه‌های صنفی کشور در قالب اتاق اصناف، فعالان اقتصادی در قالب اتاق بازرگانی، مجموعه دانش‌آموزان کشور در قالب وزارت آموزش و پرورش، مجموعه هنرمندان در قالب حوزه هنری یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و غیره باید شبکه توزیع پیام تبیین و ترویج سند چشم‌انداز را ایجاد کنند. بخشی از این تبلیغات رو در رو است و باید به هر شکلی این امر تبدیل به گفت‌وگو شود و لازم است که از ظرفیت‌های خالی دستگاه‌ها استفاده شود. به عنوان مثال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هر ساله چندین جشنواره در حوزه‌های مختلف برگزار می‌کند مانند جشنواره فیلم فجر، فیلم کوتاه، مستند، هنرهای تجسمی، تئاتر، شعر و غیره. درخواستی که ما از وزارت

با توجه به اینکه امسال دهمین سال ابلاغ سند چشم‌انداز است، به نظر شما ما تا چه حد توانسته‌ایم در این مدت شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی سند را محقق کنیم؟

برای بررسی چشم‌انداز و نسبت جایی که در آن هستیم و جایی که در سال ۱۴۰۴ باید به آن برسیم، به اعتقاد بنده باید به سند چشم‌انداز به عنوان یک مجموعه کامل نگاه کنیم. اگر بخواهیم به بحث فرهنگی نگاه کنیم، یک نگاه این است که ببینیم در کدام یک از قسمت‌های سند به حوزه‌های فرهنگی اشاره شده است، (مثل بخشی که در رابطه با هویت ایرانی و اسلامی وجود دارد یا بحث الهام بخش بودن در جهان اسلام و منطقه چشم‌انداز که ماهیت بین فرهنگی دارد). منظر دوم این است که خود سند چشم‌انداز که آینده ایران اسلامی را در افق ۱۴۰۴ ترسیم کرده و توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، ماهیت فرهنگی دارد؛ یعنی اگر در سند اشاره شده است که ما باید جایگاه اول منطقه را - که شامل کشورهای آسیای جنوب غربی است - احراز کنیم، بدون بستر فرهنگی لازم، غیر قابل دست‌یابی است. به عنوان مثال اگر قرار است که به رشد اقتصادی ۷ درصد برسیم، برای تحقق این امر، هم باید بهره‌وری بالا برود، هم حجم مشخصی از سرمایه‌گذاری در کشور باید صورت بگیرد، هم باید از کالای ملی حمایت صورت بگیرد، هم فرهنگ کار باید تقویت شود، هم همت مضاعف و کار مضاعف باید محقق شود، هم باید اصلاح الگوی مصرف صورت بگیرد، هم اصلاح روش کشت در بحث کشاورزی صورت بگیرد و ... در همه این موارد، فرهنگ آن شاخص است که تضمین تحقق آن را به ما می‌دهد. اما در پاسخ به پرسش شما، به رغم اینکه ما ۵۰ درصد زمان سند را طی کرده‌ایم، اما ۵۰ درصد راه را نرفته‌ایم. در برخی از حوزه‌ها بسیار خوب عمل کرده‌ایم و در برخی از حوزه‌ها عملکردمان راضی کننده نیست. عمدتاً در حوزه مسایل اقتصادی، به جایگاهی که لازم بوده نرسیده‌ایم و این می‌طلبد که با تلاش مضاعف و فعالیت بیشتر در ۱۰ سال آینده حرکت کنیم تا به نقطه مطلوب برسیم.

نگاه شما اشاره به دغدغه‌های مقام معظم رهبری دارد که مکرر به اهمیت بحث فرهنگ در طول سال‌های گذشته اشاره فرموده‌اند و نامگذاری یکی دو سال اخیر هم به همین مناسبت بوده است. اما سؤالی که پیش می‌آید این است که این دغدغه‌ها در کلیت نظام - و نه الزاماً دولت‌ها - نهادینه شده و مورد

چگونگی تحقق چشم انداز ایران آینده در افق ۱۴۰۴



دکتر الهام صباحی

سربلندی، پیشتازی و افتخار آرزوی هر ملت و دولتی است. ملت ایران نیز می‌کوشد تا روند توسعه ملی را سرعت بخشد و جایگاه مناسب بین‌المللی برای ایران آینده را به دست آورد. در این رابطه چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران طراحی شد و

به تصویب مجامع رسمی کشور رسید و توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۸۲ برای اجرا به سران سه قوه ابلاغ شد.

در این راستا پژوهش‌هایی تخصصی در حوزه‌های مختلف جهت چگونگی دستیابی به ایران آینده در افق ۱۴۰۴ انجام و نتایج نیز ارائه شد که آنچه در بخش اقتصادی و فناوری در سند چشم‌انداز مطرح شده بود این است که ایران در ۱۴۰۴ به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی دست یابد و در بحث اقتصادی رشد پر شتاب و مستمر را داشته باشد. برای تحقق این امر آگاهی از میزان تقاضای پول آتی کشور به منظور تعیین اولویت‌ها و انتخاب سیاست پولی در راستای مساعدت به رشد و توسعه اقتصادی، ضروری است.

پیش‌بینی صحیح متغیرها اقتصادی می‌تواند به برنامه‌ریزی‌های مناسب در جهت حصول اهدافی مانند رشد اقتصادی پر شتاب و مستمر و کنترل تورم کمک کند. ثبات قیمت‌ها، رشد اقتصادی، اشتغال کامل، از مهمترین اهداف در اتخاذ سیاست‌های پولی به حساب می‌آید. پیش‌بینی و ترسیم وقایعی که در آینده اتفاق می‌افتد، موجب می‌شود تا فرایند تصمیم‌گیری به طور مناسبی صورت پذیرد.

بر اساس الگو ARIMA پیش‌بینی می‌شود که تقاضای پول تا افق ۱۴۰۴ رشد صعودی را طی خواهد کرد و بر اساس این رشد صعودی بایستی متغیرهایی نظیر تورم، نرخ ارز و نرخ بهره را در نظر گرفت و سیاست‌هایی را در جهت رسیدن به آن اتخاذ نمود که رسیدن به اهداف برنامه بیست ساله چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، نظیر رشد اقتصادی پر شتاب و مستمر و تورم تک رقمی، تنها با اتخاذ سیاست‌های مناسب در عرصه نرخ بهره، تورم و ارز امکان‌پذیر است.

از سوی دیگر روند بلند مدت تاریخ گذشته دال بر جابه‌جایی در قدرت هژمونیک و تحولات مترتب بر آن در عرصه نظام اقتصاد بین‌الملل است. ظهور اقتصادهایی همچون چین، هند، برزیل و روسیه به عنوان بازیگران مهم، اقتصاد جهانی را از موقعیت تک قطبی کنونی به سوی موقعیت تک قطبی - چند جانبه و از دهه سوم قرن جاری به آن سوا احتمالاً به سوی موقعیت چند قطبی هدایت خواهد کرد.

در سند چشم‌انداز بخش علمی و فناوری بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم تأکید شده است که علم و فناوری به عنوان عامل مؤثر در تمام شئون اجتماعی و نیروی محرکه تمام فعالیت‌های

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و منشأ ایجاد رشد اقتصادی و ارزش افزوده و تحول فرهنگی است. در راستای تولید علم و فناوری باید فعالیت‌های پژوهشی گسترش یابند و یک نظام ملی نوآوری برای برقراری کنش متقابل بین نهادهای تولیدکننده و مصرف‌کننده‌ی دانش طراحی شود.

ارتباط دولت، صنعت و دانشگاه از اهم‌های تعیین‌کننده حرکت به سوی چشم‌انداز بیست‌ساله در زمینه توسعه دانش و فناوری است که بررسی جدی محرک‌ها و عوامل مؤثر در آن برای کمک به بهبود این ارتباط ضروری است و هدف از تلاش برای مؤثر کردن هرچه بیشتر ارتباط میان سه رکن دولت، صنعت و دانشگاه، در جهت دستیابی به توسعه پایدار بوده و نهایتاً دستیابی به اهداف علم و فناوری مندرج در سند چشم‌انداز توسعه مدنظر است. رسیدن به این مهم نیازمند طراحی اهدافی است که قابلیت تغییر دینامیکی و انعطاف با شرایط به شدت متغیر فضای علمی و فناوری کنونی را داشته. دانش و فناوری بایستی سکوی اول عاملیت را در مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع را از آن خود کند.

دستیابی به این اهداف نیازمند نیروی انسانی است و نیروی انسانی در بحث جمعیتی ایران مطرح می‌شود که تعادل و توازن جمعیتی در کشور دارد نیازمند سیاست‌گذاری‌هایی در افق بلند مدت است.

تعادل و توازن جمعیتی جدا از اهمیت نیروی انسانی از دو حیث درخور توجه است: نخست، تعادل درونی جمعیت، یعنی روابط و تأثیر و تأثرات پارامترهای جمعیتی بر دیگری است و دوم، تعادل بیرونی جمعیت است؛ یعنی ارتباط متغیرهای جمعیتی با متغیرهای اقتصادی، زیست محیطی، زمین، منابع غذایی و دیگر وجوه مادی و غیرمادی جمعیت و جامعه است زیرا کمیت و کیفیت جمعیت بر همدیگر اثر متقابل و دو سویه دارند.

جمعیت سازمان ملل جدیدترین (۲۰۱۲) پیش‌بینی جمعیتی ایران را بر اساس سناریوهای سه گانه سازمان ملل یعنی حد پایین، حد متوسط و حد بالا تا سال ۱۴۲۰ به ترتیب ۸۷/۷، ۹۶/۸ و ۱۰۶ میلیون پیش‌بینی کرده است که بر اساس سناریو تعدیل شده، شمار جمعیت ایران تا سال ۱۴۲۰ حدود ۹۱ میلیون نفر پیش‌بینی می‌شود.

این جمعیت نیازمند برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه برای مدیریت جمعیت، بهبود استحکام بنیان خانواده و ترویج ارزش‌های دینی و اسلامی است که بیشتر خانواده‌ها محور هستند تا هرم سنی جمعیت تعادل و توازن داشته باشد.

تحقق این امر در سایه امنیت امکان‌پذیر است. در سند چشم‌انداز ایران آینده توجه ویژه‌ای به امنیت انسانی شده است و مؤلفه‌های امنیت انسانی را در ابعاد مختلف آن از جمله امنیت جامعه، امنیت شخصی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست محیطی در دو حوزه‌های از نیاز و رهایی از ترس عنوان شده است.

مفهوم امنیت امروزه تحول پیدا کرده است و دارای ابعاد تازه و گسترده‌ای شده است ایران اسلامی برای داشتن جامعه‌ای امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر

بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت ابتدا نیازمند تولید و توسعه امنیت داخلی در کشور است که توسعه امنیت داخلی باید مبتنی بر ابعاد و شاخص‌های بومی جامعه ایران بنا شود تا سازمان‌ها و حکومت ضمن اطمینان از استمرار بقا، از تهدید و خطرهای بالفعل و قریب الوقوع مصون باشد و نسبت به موجودیت خود احساس امنیت کنند. کسب امنیت پایدار نیازمند مؤلفه‌هایی است که از جمله آن می‌توان به داشتن جامعه‌ای «امن»، «با ثبات»، «توسعه یافته» و «الهام بخش» اشاره کرد که از اهداف سند چشم انداز نیز هست که بدون تأمین امنیت پایدار در برابر تهدیدها و آسیب‌ها امکان نیل به هدف‌های بیست ساله غیر ممکن است.

سوی دیگر بحث امنیت مرتبط با تعاملات ایران با کشورهاست که در بحث سیاست خارجی مطرح است که سیاست جمهوری اسلامی ایران اتخاذ رویکرد «تعامل سازنده» در سیاست خارجی است که بر اساس سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی ایران باید الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با

تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیر گذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم و اندیشه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران باشد.

ایران در سیاست خارجی خود باید تبدیل به قدرت و کانون هژمون منطقه‌ای شود و این امر زمانی امکان‌پذیر است که ایران در چهارچوب تحولات بین‌المللی حرکت کند ثانیاً از

فرصت تأثیر گذاری در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کند ثالثاً از رقابت بین قدرت‌های بین‌المللی در منطقه بهره‌بردار و در مورد قدرت‌های میانی از انطباق ترویج آمیز استفاده کند.

در پایان تحقق شاخص‌های چشم انداز ایران ۱۴۰۴ زمانی محقق می‌شود که همه در رسیدن به این اهداف تلاش و همکاری داشته باشد و گرنه کارآمدترین چشم‌انداز بدون استراتژی و تاکتیک‌های اجرایی در حد تصویری مطلوب و زیبا خواهد ماند. بر این اساس، حرکت از تدوین چشم‌انداز به اجرا و پیاده‌سازی آن نیازمند مدیریت کلان است تا با آمد و رفت و تغییر سیاست دولت‌ها در استراتژی چشم‌انداز به مشکل دچار نشویم. همه ساله باید این برنامه‌های استراتژیک و تاکتیک‌ها از سوی مدیریت کلان مورد بازنگری قرار گیرد و در کنار مدیریت کلان با فرهنگ‌سازی و همچنین اجرایی کردن چشم‌انداز نیازمند یک بسیج ملی است تا با همکاری همگانی نهادهای دولتی و نهادهای مردمی شاخص‌های افق چشم‌انداز محقق شود.

یکی کسب امنیت پایدار نیازمند مؤلفه‌هایی است که از جمله آن می‌توان به داشتن جامعه‌ای «امن»، «با ثبات»، «توسعه یافته» و «الهام بخش» اشاره کرد که از اهداف سند چشم انداز نیز هست که بدون تأمین امنیت پایدار در برابر تهدیدها و آسیب‌ها امکان نیل به هدف‌های بیست ساله غیر ممکن است.



مهاجران!



محمود نظری

به عقیده‌ی من پرداختن به این موضوع که طراحی و کاریکاتور چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند، ضرورتی نداشته و تکرار مکررات است، رابطه‌ی طراحی و کاریکاتور امری بدیهی است و تاکنون بارها در این مورد صحبت شده و اساتید به طور مفصل بدان پرداخته‌اند. اما آنچه ضروری به نظر می‌رسد و دنیای کاریکاتور امروزه به عنوان یک معضل با آن روبه‌روست، حرکت کاریکاتور به سوی نقاشی است! همانگونه که تقریباً همه‌ی کارتونیست‌ها در این مورد اشتراک نظر دارند، جایگاه اصلی و خاستگاه اولیه‌ی کارتون، صفحات سیاه و سفید روزنامه‌ها بوده و هست، پس ناگفته نپساید که اصلت کارتون را خط تشکیل می‌دهد. اما با تکامل صنعت چاپ و ورود رنگ به صفحه‌های روزنامه‌ها، کارتونیست‌ها نیز برای جذب مخاطب بیشتر که به واسطه‌ی زیباتر نمودن اثر صورت می‌گرفته و گاه در برخی موارد الزام به کارگیری رنگ جهت رساندن پیامی خاص، رنگ را به عنوان عنصری جدید در کارتون اضافه نمودند. تا اینجای کار هیچ مشکلی وجود نداشت! زیرا رنگ نیز به مانند خط، عنصری در خدمت کارتون به شمار می‌رفت. مشکل از جایی آغاز شد که موجی از نقاشان وارد دنیای کارتون شدند! از آنجا که ارائه‌ی آثار کارتون به مراتب آسان‌تر از ارائه‌ی آثار نقاشی است، نقاشان زیادی تمایل پیدا کردند که نقاشی‌هایشان را با کمی تغییر در فورمت کارتون ارائه کنند! موضوع وقتی دردناک‌تر شد که داوران جشنواره‌های کارتون نیز به شدت از این آثار استقبال کردند و پروژه‌ی «غول‌سازی» در دنیای کارتون کلید خورد! غول‌هایی که تنها به مدد قدرت غیر قابل انکارشان در اجرا و بدون پشتوانه‌ای قابل اعتنا از آرشو ذهنی و فلسفه‌ی کارتون، پا به این عرصه گذاشتند. شاید بسیاری از هنرمندان معتقد به این نظریه باشند که «مرز بین هنرها از بین رفته و یک هنرمند تجسمی می‌تواند در همه‌ی رشته‌ها صاحب نظر باشد.» اما من چندان با این نظر موافق نیستم و معتقدم هنر یک مقوله‌ی تخصصی است و دنیای هنر آنقدر کوچک نیست که با داشتن تخصص در یک رشته به راحتی بتوان در بقیه‌ی رشته‌ها نیز

صاحب نظر بود!

همان طور که گفتیم بسیاری از نقاشانی که کارتونیست شده‌اند، به لحاظ تئوریک و آرشو ذهنی دچار ضعف هستند و همین مسأله سبب شدت گرفتن دیگر معضل این روزهای دنیای کارتون یعنی تشابهات ناگزیر است. ساده انگاشتن ورود به دنیای کارتون سبب خلق آثار سطحی می‌شود که تنها به لحاظ تکنیک قوی (که بیشتر به نقاشی و تصویرسازی نزدیک هستند) هستند و تشابهات ناگزیر در این گونه آثار نمود پیدا می‌کند. هرچند می‌توان در این مقوله بسیار صحبت کرد و مثال‌هایی روشن و واضح ارائه کرد، اما به علت طولانی شدن مطلب، تنها به ذکر یک نکته‌ی دیگر بسنده می‌کنم و آن اینکه متأسفانه در کشور خودمان نیز با این مسأله روبه‌رو هستیم و الگو برداری نامناسب کارتونیست‌های جوان از یک سو و انتخاب‌های غیراصولی و بدون معیار داوران جشنواره‌ها از سوی دیگر سبب ظهور این پدیده در کارتون ایران نیز هستیم!

من به عنوان یک کارتونیست این موضوع را یک تهدید جدی برای کارتون قلمداد می‌کنم و چنانچه تداوم این پدیده را شاهد باشیم، در آینده‌ی نه چندان دور شاهد از بین رفتن کارتون به معنای واقعی آن و جایگزینی تصویرسازی و نقاشی به جای آن خواهیم بود.

اشغال شدن فضای هنری کارتون توسط نقاشانی که به واسطه‌ی آنکه نتوانسته‌اند در دنیای نقاشی خودنمایی کنند به این فضا مهاجرت کرده‌اند، سبب پیدایش آسیب‌هایی جدی به بدنه‌ی کارتون نمایشگاهی خواهد شد. چنانچه بخواهیم کاتالیزوری برای تمایز کارتونیست‌های واقعی با نقاشان مهاجر بیابیم، به راحتی می‌توانیم از کارتون مطبوعاتی مدد بجوییم. به نظر شما چند درصد از این نقاشان کارتونیست نما! می‌توانند کار مطبوعاتی ارائه کنند؟ می‌دانید که سرعت عمل و ارائه‌ی آثار روزانه، یکی از معیارهای یک کارتونیست مطبوعاتی است. آیا می‌توان هر روز یک تابلوی نقاشی رنگ و روغن (یا اکریلیک) خلق کرد و آن را به مطبوعات ارائه کرد؟ آیا اگر عنصر رنگ را از آثار این گونه هنرمندان (نقاشان مهاجر) حذف کنیم، باز هم می‌توانیم آن اثر را ستایش کرده و خالق آن را شایسته تقدیر قلمداد کنیم؟ وجه تمایز اینگونه هنرمندان با کارتونیستی مانند کینو، سمیه و کوزوبو کین این است. به جرأت آثار این سه تن دارای این ویژگی است که اگر کارهای رنگی آنها را سیاه و سفید چاپ کنیم، هیچ آسیبی به اصل کار و موضوع آن وارد نمی‌شود.

سخن کوتاه اینکه بیابید به کارتون فکر کنیم و بین اجرای مناسب و تصویرسازی تفاوت قابل شویم تا ...

ایده‌یابی به زبان ساده



مسعود غیبی

۱. اصول خلق کارتون:

برای خلق کارتون به دو اصل نیاز داریم: حرکت ذهنی، حرکت

جسمی. حرکت ذهنی یا تجسم ذهنی در اصل ایده‌پردازی است. دنیای کارتون دنیای ایده‌هاست. حرکت جسمی در اصل بعد از حرکت ذهنی آغاز می‌شود و طراحی اولیه، طرح نهایی، رنگ آمیزی و پرداخت نهایی را حرکت جسمی می‌نامیم.

۲. گاو صندوق ذهنی: برای رسیدن به یک ایده ناب نیازمند این هستیم که موضوع داده شده را با اطلاعات ذهنی رمزگشایی کنیم! منظور از رمزگشایی چیست؟ بگذارید یک مثال ساده بزنم: اگر شما بخواهید با دوستی به نام میم تماس تلفنی برقرار کنید، باید یک شماره خاص را بگیرید که مختص آقا یا خانم میم است. خوب! حالا اگر بجای یک شماره از آقای میم شماره دیگری بزنید، مسلماً شخصی گوشی را برمی‌دارد که دیگر میم نیست. اگر به جای شماره ۳۳۴۴ شماره ۳۱۴۴ را بگیرید، شما وارد زندگی و تلفن شخص دیگری می‌شوید. این در مورد رمزگشایی موضوع اهمیت دارد. هر انسانی دارای اطلاعات، تصاویر، قصه‌ها و روابط خود، از ابتدای زندگی تاکنون است و بدون شک هر کارتونیستی، با اتکا به همین اطلاعات قادر است یک کارتون بی نظیر و منحصر به فرد و بیشتر از آن خلق کند. اما چرا این اتفاق در خصوص بعضی‌ها نمی‌افتد و ما دچار تکرار و روزمرگی در آثار کارتونی می‌شویم؟ چون ما در رابطه با موضوع از واژه‌های مختص طلایی ذهنی خود استفاده نمی‌کنیم. منحصر به فرد بودن آدم‌ها موجب می‌شود که انحصار خلق تصاویر ناب هم محدود به تصاویر با واژه‌هایی خاص فقط به همان آدم شود، چون دایره اطلاعات و مفروضات هر شخص با دیگری متفاوت است و چون انسان برای هر واژه معادل تصویری دارد، لذا باید موضوع داده شده که در اصل یک ما به ازای تصویری در ذهن دارد، با واژه‌های دیگر مقایسه شود تا رمز قفل ذهنی در خصوص ایده بشکند!

۳. قفل مغزی: یکی از مهم‌ترین دلایل اینکه هنگام اندیشیدن به یک موضوع دچار قفل مغزی می‌شویم، این است که به‌رغم داشتن اطلاعات و تصاویر و داشته‌های ذهنی که می‌تواند ما را به یک کارتون خوب برساند، دسترسی ما به آن ممکن نمی‌شود و یا سهل نیست، زیرا ورود به گاو صندوق ذهنی رمز می‌خواهد، مثل هر گاو صندوق دیگری و رمز این قفل برای هر فردی با فرد دیگر متفاوت است، همانطور که گاو صندوق‌های هر کس با دیگری متفاوت است.

۴. رمز گشایی: فرض کنید شما رمز کیفتان را فراموش کرده‌اید، چگونه رمزگشایی می‌کنید؟ (البته اگر نخواهید پیش یک قفل ساز بروید!) شاید یکی از کارهایی که انجام می‌دهیم این است که یک عدد را یا چند عدد را ثابت می‌گیریم و بقیه اعداد را یکی یکی تغییر می‌دهیم تا قفل باز شود، یعنی ناگهان اعداد طلایی رمز کشف می‌شود و شما قادرید به محتویات ارزشمند کیفتان دسترسی پیدا کنید. خوب! در خصوص ذهن و گاو صندوق ذهنی هنگام ایده‌یابی نیز چنین اتفاقی می‌افتد. ذهن انسان به طور عادی در هر روز درگیر بیش از ۶۰ هزار فکر، واژه

موضوع، ذهن اتوماتیک‌وار می‌داند باید چه مسیری را طی کند، تنها کار شما افزودن اطلاعات، تصاویر و مفاهیم جدید، یعنی مطالعه بیشتر است، چون با هر بایت اطلاعاتی که شما به آرشو ذهنی‌تان اضافه می‌کنید، در اصل یک گام از کسانی که آرشو ذهنی‌شان از شما کوچک‌تر است جلوتر هستید. بنابراین مشخص می‌شود مطالعه در همه ابعاد، اعم از کتاب، فیلم و مشاهده رفتارها، موجب ارتقای شما می‌گردد.

۱۲. مفاهیم شخصی و کلیدواژه‌ها: در روش کلیدواژه‌ها شما دقیقاً به مفهوم و شکلی می‌رسید که نزدیک به شخصیت، احساس و تفکر شماست؛ در حالی که استفاده از فرمالیسم و تغییر شکلی اشیاء، تنها شما را به یک کارتون بدون ذهنیت و شخصیت شما می‌رساند. شما به هر کارتونی در کلیدواژه‌ها برسید، در اصل به خودتان رسیده‌اید؛ چون شما در درون ذهن‌تان جستجو می‌کنید نه در کتاب‌ها یا مغز یا کاتالوگ‌های دیگران. ذهن شما فقط خروجی‌ای به شما می‌دهد که متناسب با شخصیت و هویت شما

باشد و با توجه به اینکه مغز انسان برای درک حقیقت از فیلترهایی استفاده می‌کند که طی سال‌ها این فیلترهای مغزی بر اساس فرهنگ شخص، آموزش و تربیت اندیشه‌اش ساخته شده.

۱۳. روش‌های متفاوت ایده‌یابی:

باید بگوییم هر چه بیشتر با کلیدواژه‌ها کار کنید، مغز شما قوی‌تر می‌شود و خیلی زود قادر است که از چند واژه، همزمان با موضوع استفاده کند و

دارند با آمیوه‌گیری آب آن را می‌گیرند و ... به سرعت می‌توانید ده‌ها کارتون بسازید، چون شما با کلیدواژه‌ها در اصل رمزگشایی می‌کنید و کلیدواژه‌ها شما را بدون آنکه چیزی در خصوص متدها بدانید وارد متدها می‌کند!

۸. واژه‌ها: در این خصوص اول باید بگوییم در کلیدواژه‌ها شما نیازی ندارید مانند روش‌های ایده‌یابی با واژه‌های مرتبط یا نزدیک به سوژه استفاده کنید. شما می‌توانید دفترچه‌ای از واژه‌های بسیار زیاد داشته باشید، متفاوت و کاملاً غیر مرتبط با هم. الان شروع به نوشتن کنید! چه چیزی بنویسیم؟ هر چیزی و هر روز این واژه‌ها را گسترش دهید.

۹. گسترش موضوع توسط کار با کلیدواژه‌ها: اگر به شما موضوع بدهند جنگ، اولین کار شما باید این باشد که برای جنگ ما به ازای تصویری خلق کنید و موضوع‌تان را گسترش دهید و بعد با کلیدواژه‌ها کار کنید؛ چون جنگ یک مفهوم گسترده است و ذهن از شما ادرس دقیق‌تری برای خلق اثر می‌خواهد. شما برای جنگ ما به ازای تصویری خلق می‌کنید، مثلاً تانک، نارنجک، شهرهای ویران شده، اسلحه، موشک، سربازان هنگام تیراندازی، زمین‌های مین‌کاری شده، مردم زخمی و آسیب دیده از جنگ، حمله سربازان و ... هر چیزی که به ذهنتان می‌آید طی یک طوفان ذهنی می‌نویسید. مرحله بعدی این است که هر کلیدواژه را با هر کلمه تصویری گسترش یافته موضوع خود بررسی می‌کنید و به ذهن سیال‌تان اجازه می‌دهید خودش نتیجه بدهد. بعضی مواقع سرعت کشف ایده شما را متعجب خواهد کرد و بعضی اوقات نیز نیازمند کمی تمرکز بیشتر است.

۱۰. نمونه کلیدواژه‌ها: جاکلیدی، کلید، دارکوب، ابرها، میز، دریا، ماهی، بیلبارد، اره، ساعت، سنجاق، کیسه بوکس، تنگ ماهی، جوجه‌های پرنده، جزیره، فالگیر، سیگار، اتاق عمل، فضاورد، چای کیسه‌ای، قلاب ماهیگیری، رام کردن اسب وحشی، کیف، کفش، کتاب، قفل، پرز برق، انسان نخستین، کلاه، کفش، پوتین سربازی، سرباز، تفنگ، تانک، ویولن، گلف، هواپیما، شیشه هواپیما از داخل، بادبادک، بادکنک، تابوت، کنشیش، اتاق اعتراف، ماهی، تنگ ماهی، ماهی‌گیری، سیب، درخت، لانه، پرنده، جوجه‌های پرنده با دهان باز، پاکت نامه، صندوق، ارسال نامه، پستی، تمبر، پستی با دوچرخه، مجسمه، مجسمه ساز، صندلی، گندم، سلمانی، آرایشگر، نقشه یک شهر، کوله پشتی، قلم، مدادتراش، دستگاه پانچ، کارت، دستگاه چمن زنی، کیسه بوکس، چشم، اشک، اره برقی، موس، آچار، استخوان، سگ، نابینا، تابلوی امتحان، چشم، فیگور، تایتانیک، مجسمه آزادی، فرشته عدالت، طناب، فیل، زرافه، پلیس، ماشین پلیس، آمبولانس ...

۱۱. تکرار، مادر مهارت: نگاهی به کلید واژه‌های مثالی به ما یادآوری می‌کند که چنین تمرینی چقدر به سیالیت ذهن کمک می‌کند، به گونه‌ای که ذهن شما بعد از فقط چند روز (بسته به تمرین و تکرار شما) به سرعت تکیه‌گاهی ذهنی برای خلق سوژه پیدا می‌کند. چرا چنین می‌شود؟ چون مغز و ذهن ناچارند بعد از هر واژه به سرعت موقعیت‌ها، مکان‌ها، زمان‌ها و تصاویر بی‌شمار ذهنی شما را از ناخودآگاه و آرشو ذهنی‌تان به خودآگاه بیاورند و تکرار این امر موجب ایجاد عادت ذهنی می‌شود و اگر عادت ذهنی ایجاد شد، دیگر شما نیازمند صرف انرژی زیادی برای خلق ایده نخواهید بود چراکه بعد از دیدن

و جمله است. طبیعی است که تمرکز بر یک موضوع نیاز به تمرین دارد. این روش به آنها کمک می‌کند که بتوانند ذهن و مغز خود را آرام آرام شرطی کنند.

۵. کلید واژه‌ها و بازخوانی: فرض کنید که در خیابان راه می‌روید و ناگهان شخصی را می‌بینید که سال‌هاست از آخرین دیدارتان می‌گذرد. دیدن این شخص و گفتگو با او موجب می‌شود تصاویر، خاطرات و حتی گفتگوی شما در سال‌های دور، ناگهان به ذهنتان بیاید. این اطلاعات و تصاویر در ذهن شما وجود داشته، اما تا زمانی که شما این دوست را ندیده‌اید، چیزی به ذهنتان نمی‌آید. اینک این کار می‌تواند با واژه‌ها نیز صورت بگیرد، چراکه ذهن انسان با خواندن هر واژه، تصویرسازی می‌کند و با موضوعی که شما در نظر دارید، این تصویر مقایسه می‌شود و چون شما در پی خلق یک کارتون هستید (یعنی یک چارچوب فکری مشخص دارید) این دو تصویر درون این چارچوب فکری با هم یک چالش ایجاد می‌کند و همه اینها در کثری از ثانیه رخ می‌دهد. بنابراین واژه‌ها می‌توانند به سرعت رمزگشایی کنند.

۶. کلید واژه‌ها و متدها: با استفاده از واژه‌ها شما ناخودآگاه درون متدها قرار می‌گیرید بدون اینکه از قبل به استفاده از آنها حتی فکر کرده باشید. چرا چنین چیزی رخ می‌دهد؟ چون ذهن با مقایسه واژه‌ها در چارچوب فکری شما (که خلق کارتون است) به دنبال راهکار است و به سرعت شروع به استفاده از شوهه‌ها می‌کند؛ روش‌هایی مانند شباهت، تضاد، مقایسه کوچکی و بزرگی، نظم و بی نظمی، غافلگیری، جابه‌جایی و ... همه به سرعت در ذهن مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته این بررسی‌ها اینگونه است که ذهن چنین تطابق‌های انجام می‌دهد و ما بر اساس آن تطابق‌ها، بعداً برایش تعریفی پیدا می‌کنیم. در اصل چه شما تعریف را بدانید و چه ندانید، ذهن شما چنین کاری می‌کند. اما زمانی که شما تعریف را بخوانید، بدانید و به آن توجه کنید، در اصل به ذهن خود یک دستورالعمل داده‌اید که بر اساس آن عمل کند؛ لذا مطالعه روش‌های ایده‌یابی می‌تواند جذب دستورالعمل‌هایی باشد که ذهن شما می‌سازد که بسیار مفید است.

۷. مثال: موضوع ما کتاب است و واژه‌هایی که داریم مثلاً اسب و هویج است. (دو واژه‌ای گفتیم که کمتر ارتباطی داشته باشند) حالا بیایید هر کدام را با کتاب از این روش بررسی کنیم؛ کتاب و اسب. خوب وقتی شما از واژه اسب در کنار کتاب استفاده می‌کنید، ذهن شما سریعاً تلاش می‌کند ارتباطی طنزآمیز بین این دو پیدا کند و خصوصیات اسب را مورد بررسی قرار دهد. در بین هزاران فایل تصویری بایگانی شده در ذهن شما از اسب، اسب دوانی، رام کردن اسب، شلیک به اسب، اسب زخمی، اسب بسته به گاری، اسب زور، اسب و ... اولین چیزی که به ذهن می‌آید مردی است که سوار یک کتاب وحشی مثل اسب وحشی است و می‌خواهد آن را رام کند. خوب! می‌بینید به سرعت یک کارتون خلق شد! این یک متد است. جابجایی کتاب به جای اسب!

بیایید واژه دوم را بررسی کنیم؛ کتاب و هویج. مردی که با قلمی که شبیه هویج است دارد کتاب می‌نویسد و تمام جملات کتاب تصویر خرگوش است، یا خرگوش‌های کوچک کنار هم، یا خرگوش پیری که کتابی که روی جلد آن شکل هویج است برای بچه خرگوش‌ها می‌خواند، یا کتابی که نقش هویج دارد و

یکی از مهمترین دلایل اینکه هنگام اندیشیدن به یک موضوع دچار قفل مغزی می‌شویم، این است که به‌رغم داشتن اطلاعات و تصاویر و داشته‌های ذهنی که می‌تواند ما را به یک کارتون خوب برساند، دسترسی ما به آن ممکن نمی‌شود و یا سهل نیست، زیرا ورود به کاو صندوق ذهنی رمز می‌خواهد، مثل هر کاو صندوق دیگری و رمز این قفل برای هر فردی با فرد دیگر متفاوت است

شما را به ترکیبات حرفه‌ای‌تر و پیچیده‌تری ببرد؛ چیزی که مختص نوع تفکر شماست. مغز انسان نیاز به تربیت در فرایند خلق کارتون دارد و متأسفانه روش‌های آموزشی ما در آموزشگاه‌ها، روش‌های کلاسیکی هستند که اگرچه لازم است، ولی هنرجویان ارتباط کمتری با آن برقرار می‌کنند. در این سال‌ها با هنرجویان بسیاری گفتگو کرده‌ام و همه به‌طور مشترک یک مشکل دارند: ایده‌یابی. آنها نمی‌دانند چگونه باید فکر کنند و چگونه به موضوع نزدیک شوند. با اینکه ده‌ها مقاله در نشریات کارتون چاپ شده، ولی هنوز این مشکل حل نشده است.

هدف از این مطلب این نیست که این روش بهترین روش خلق کارتون است، بلکه تنها معرفی روشی است در کنار سایر روش‌ها برای همه کسانی که مایلند روشی دیگر هم برای تفکر خود در خصوص ایده‌یابی داشته باشند. هر کارتنیستی روشی برای خلق کارتون دارد اما آنچه مسلم است اینکه همه چیز با تمرین و تکرار رشد می‌کند.

این مقاله به عنوان یکی از برنامه‌های جانبی ششمین جشنواره با حضور هنرمندان رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی ارائه گردید و برای درج در این ویژه‌نامه اندکی تلخیص شده است.



کارتون مطبوعاتی باعث قوام کارتون‌نویست می‌شود

آنچه می‌خوانید گزیده‌ای است از مصاحبه مفصل ما با استاد جواد علیزاده، یکی از مشهورترین کارتون‌نویست‌های ایرانی در خارج از کشور. تجربه طولانی فعالیت مطبوعاتی علیزاده پهنه‌ای شد تا با او درباره کارتون مطبوعاتی به گفتگو بنشینیم.

دهه هفتاد برخی با کشیدن کاریکاتور علما ایجاد حساسیت کردند در حالی که می‌توانستند جور دیگری عمل کنند. در زمان جنگ، هم کشور ما و هم عراق درگیر جنگ بود. در عراق به طور کلی کشیدن کارتون و کاریکاتور ممنوع بود. درحالی که ما در همان زمان در مطبوعات کاریکاتور می‌کشیدیم. درست است که ما بنا به وظیفه ملی‌مان بیشتر کاریکاتور عراقی‌ها را می‌کشیدیم، اما این امر در کشور بود. علاوه بر این من در همان زمان کاریکاتوری در نقد گرانی‌ها کشیدم. این نشان می‌دهد به رغم برخی تنگ نظری‌ها، به هر حال فضای کشور اجازه کار و انتقاد سالم را می‌دهد. در اصفهان و در مشهد و دیگر شهرستان‌ها کارتون‌های خوبی در مطبوعات چاپ می‌شود. اما نگرانی من بیشتر درباره وضعیت معیشتی کارتون‌نویست‌های شهرستانی است. روزی که تلویزیون و ویدئو به بازار آمد، برخی معتقد بودند که صنعت سینما ضربه خورده و از بین خواهد رفت. در حالی که اینطور نشد. چراکه شما هیچ وقت حسی را که از دیدن فیلم در سالن سینما دارید با دیدن فیلم در تلویزیون نمی‌توانید مقایسه کنید. من خودم آدم نوستالژیکی هستم. حس خواندن کتاب و مجله کاغذی هم هرگز توسط نشریات الکترونیکی قابل انتقال نیست. به همین خاطر هم من هنوز مجله را روی کاغذ کاهی چاپ می‌کنم و خوانندگان هم راضی هستند. بنابراین من نسبت به آینده خوشبینم.

این شکل که آثار هنرمندان داخلی بدون اطلاع آنها یا بدون پرداخت دستمزد به ایشان استفاده نشود. سومین مساله باز می‌گردد به انجمن کاریکاتور ایران. سال‌هاست که کارتون‌نویست‌ها در پی آن هستند که انجمن کاریکاتور ایران را تأسیس کنند، اما حتی اگر این انجمن تأسیس هم شود، از ابتدا باید در خصوص بودجه آن و شکل جذب این بودجه و اینکه از کجا حمایت صورت گیرد و غیره برنامه ریزی شود. سال‌هاست خانه کاریکاتور ایران فعالیت دارد. بخش عمده‌ای از بودجه این نهاد توسط معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تأمین می‌شود و ضمن اینکه معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز کمک‌های مالی به این نهاد انجام می‌دهد. اما نکته این است که خانه کاریکاتور هیچ برنامه‌ای برای حمایت از کارتون مطبوعاتی ندارد و اغلب برنامه‌هایش در جهت برگزاری جشنواره و... است. لازم است برای حمایت از کارتون مطبوعاتی فکری جدی صورت بگیرد. خود من نظرم این است که حتی اگر خانه کاریکاتور به شکل شورای اداره شود، همین نهاد نیز می‌تواند گام‌های اساسی در این زمینه بردارد. من در تمام دوران کارم سعی کرده‌ام میانه‌رو باشم و با هرگونه تندروی مخالفت کنم. ما باید در کاریکاتور بدی‌ها را نقد کنیم، اما این بدین معنی نیست مستقیماً کاریکاتور شخصی را بکشیم و او را مورد نقد قرار دهیم. گاهی می‌توان و لازم است تا با استفاده از سمبل‌ها و نمادها به جای اینکه شخص را نقد کنیم، کار اشتباه را مورد انتقاد قرار بدهیم. کشیدن کاریکاتور روحانیون طبق قانون برای حفظ حرمت ایشان ممنوع است. در

از لحاظ تاریخی کارتون و کاریکاتور با روزنامه‌ها به وجود آمد. کارتون‌نویست هنرمندی است که دردها و آلام جامعه را می‌شناسد و این مسایل و مشکلات را به شکلی هنرمندانه و همراه با طنز به جامعه ارائه می‌کند. این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه کارتون‌نویست، کار مطبوعاتی بکند. چراکه در کار مطبوعاتی است که کارتون‌نویست به شکلی روزانه با مسایل مردم در ارتباط بوده و نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهد و آثار خود را از طریق رسانه در اختیار مردم قرار می‌دهد. از نظر من جایگاه کارتون در مطبوعات مناسب است به شرطی که سه مشکل اساسی در این رابطه به طریقی حل شود. اولین مشکل مساله دستمزد کارتون‌نویست‌ها و کاریکاتور‌نویست‌ها در مطبوعات است. همه دست اندرکاران کارتون اذعان دارند که دستمزد کارتون‌نویست‌های مطبوعاتی پایین است و اگر فکری به حال این مساله نشود، باعث می‌شود که کاریکاتور‌نویست‌ها به جای کار در مطبوعات به فکر حضور در جشنواره‌ها باشند تا از این طریق بتوانند زندگی خود را تأمین کنند. مشکل دوم مساله قانون کپی رایت و لزوم رعایت آن توسط مدیران رسانه است. درست است که ما در کشور به طور رسمی به عضویت قانون بین‌المللی کپی رایت در نیامده‌ایم، اما مدیران رسانه‌ها می‌توانند از نظر اخلاقی پایبند به این قانون باشند، چه به این شکل که آثار کارتون‌نویست‌های بین‌المللی را چاپ نکنند (که در واقع این آثار بدون اطلاع صاحب اثر و اغلب با نگاه پر کردن صفحات مورد استفاده قرار می‌گیرند) و چه به

گفتگو با آیت نادی، هنرمند کارتون‌نویست و دبیر جشنواره برق اصفهان درباره کم و کیف جشنواره‌های کارتون شهرستانی:

جشنواره بستر امنی برای کاریکاتور‌نویست‌ها است

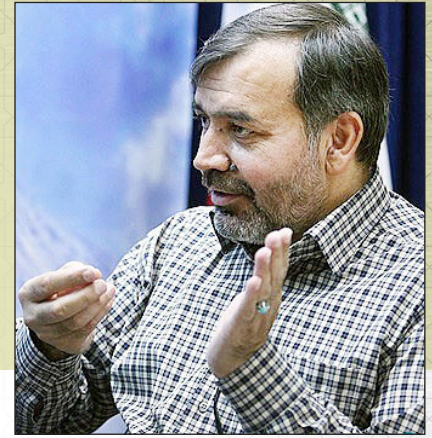


به دلیل اثرگذاری‌ای که دارد، تبدیل شده‌اند. یکی از خوبی‌های برگزاری جشنواره این است که ادارت مختلف مانند حوزه هنری، شرکت برق، شرکت گاز، استانداری، هلال احمر و بسیاری از سازمان‌ها و اداراتی که به مردم خدمت رسانی می‌کنند، از همین بستر کاریکاتور برای اثرگذاری فرهنگی خود استفاده می‌کنند. حتی نیروی انتظامی در مباحث مختلف مانند ترافیک، امنیت و... سعی کرده است پیام خود را از این طریق به مردم برساند. در کشورهای دیگر به طور قطع می‌توانم بگویم بیشترین جشنواره‌هایی که برگزار می‌شود در حوزه کاریکاتور است حتی می‌توان گفت که ما تعداد کمی از این جشنواره‌ها را به خود اختصاص می‌دهیم. در دنیا فکر می‌کنم سالانه ۳۰۰ تا ۵۰۰ جشنواره مختلف برگزار می‌شود که برخی از آنها یک دوره برگزار می‌شود، برخی چند دوره و برخی سال‌ها ادامه می‌یابند. به عبارتی ما بیش از تعداد روزهای سال جشنواره داریم. به نظر من حتی این تعداد جشنواره‌ای که برگزار

به طور کلی یکی از اهداف جشنواره‌ها در سراسر دنیا حمایت از هنرمندان همان حوزه‌های هنری است. در رشته کاریکاتور علاوه بر این مورد، یک دلیل دیگر هم وجود دارد و آن عدم اعتماد مطبوعات به کاریکاتور است. همین مساله باعث شده که هنرمندان شهرستانی هم به برگزاری جشنواره‌های سراسری و بین‌المللی اهتمام بورزند. به عبارتی این حجم بالای برگزاری جشنواره در کشور به دلیل عدم حضور کاریکاتور در مطبوعات کشور است. اینکه این تعداد جشنواره در طول سال در کشور در حوزه کاریکاتور برگزار می‌شود به دلیل این است که هنرمندان بستر مناسبی برای کار جز نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها ندارند. رسالت اصلی کاریکاتور ارتباط با مردم است. اگر شما کاریکاتور را در طول تاریخ خود در ایران و دنیا رصد کنید می‌بینید که کاریکاتور غیر از مطبوعات جایگاه دیگری نداشته است. امروزه کاریکاتور نمایشگاهی شده و جشنواره‌ها بستر امنی برای کاریکاتور‌نویست‌ها هم به واسطه جوایز و هم

وقتی هنرمند می تواند به تعهد خود عمل کند که مجموعه شرایط مهیا باشد

موضوع گفتگوی ما با استاد حسین نیرومند درباره وظیفه کارتون‌نویست‌ها در رابطه با ایران آینده بود. نیرومند فعالیت حرفه‌ای خود را از سال ۶۴ در مطبوعات آغاز کرد و سال‌ها هم سردبیری کیهان کاریکاتور را بر عهده داشت.



را اگر کنار بگذاریم و به خود مدیوم هنر فکر کنیم) جلوتر از همه رشته‌های دیگر ایستاده است.

در حوزه کاریکاتور ما از همه کشورهای منطقه جلوتر هستیم و به واقع می‌توان گفت که جزو ۱۰ کشور برتر دنیا در حوزه کاریکاتور نمایشگاهی هستیم.

مشکل اساسی در این زمینه، محتوا است. به بیان دیگر اینکه چه مقدار از اینگونه آثار هنری، بیانگر اندیشه و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. مشکل اینجا است و اتفاقی هم که باید بیفتد در این حوزه است و گزینه در خود مدیوم هنر ما از صنعت و تکنولوژی و ... جلوتر هستیم، چون رقابت ما در حوزه هنر، الان کاملاً رقابتی جهانی است. اما در بحث محتوا، خیر.

وجوه سیاسی کاریکاتور پرنگ‌تر از سایر جنبه‌های آن است. بنابراین به این سادگی نیست که نشریه‌ای که دیدگاه متفاوتی نسبت به ما دارد، اجازه بدهد ما کاریکاتورهایمان را در آن نشریه به نمایش بگذاریم. حتی در ایران هم این اتفاق نمی‌افتد. این انتظار، انتظار درستی نیست. ما در نهایت می‌توانیم در نمایشگاه‌های جهانی حضور پررنگ داشته باشیم. انتظار اینکه کارتون‌های ما در نشریات بین‌المللی حضور داشته باشند چندان منطقی نیست. البته هستند هنرمندان بین‌المللی که با نشریات بین‌المللی همکاری دارند. اگر کارتون‌نویست‌های ما قوی باشند، می‌توانند درباره موضوع‌های عمومی‌تر کار کنند و در نشریات بین‌المللی به چاپ برسند. ولی اینکه در نشریات منطقه که اساساً نشریات آزادی نیستند، نمی‌توان انتظار داشت که کاریکاتور‌نویست ما کار انجام دهد.

متخلف را افشا کند، جریان‌های غلط را نشان بدهد یا به قول حضرت امام (ره) نقاط کور سیاسی اجتماعی و حتی نظامی را بیان بکند، آن موقع به وظیفه خود عمل کرده است.

همان طور که گفتم اگر کاریکاتور به قالب واقعی خود که هنر مطبوعاتی است، برسد، آن‌گاه می‌توانیم بگوییم که کاریکاتور اتفاقی جدی در جامعه ایجاد کند. ولی الان نه!

یک بخش پیام تولید آن است، وقتی پیام تأثیرگذار می‌شود که امکان دیده شدن آن فراهم شود. وقتی امکان دیده شدن پیام به صورت فراگیر فراهم شود، تأثیر آن هم فراگیر می‌شود. اما اینکه آثار هنرمندان صرفاً در قالب کاتولوگ‌ها و ... چاپ شود، با اینکه کار خوبی است و تأثیرگذار هم هست و جامعه‌ای از مخاطب را هم درگیر می‌کند، ولی آن انتظاری که وجود دارد با وضعیت فعلی برآورده نمی‌شود.

یکی از بحث‌های مغفولی که وجود دارد بحث آموزشی کاریکاتور است که از طریق کارتون می‌توان به اموری پرداخت تا به ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه کمک کند. در دنیا زبان کاریکاتور زبان بسیار مؤثری است برای ارتقای فرهنگ عمومی.

سیستم فرهنگی کشور متوجه نیست که هنرمند یک وظیفه‌ای دارد، ولی او هم موظف است زمینه‌های لازم را برای رساندن اثر هنری به مخاطب، فراهم کند. این زمینه در فیلم می‌شود سینما، در نقاشی می‌شود گالری و در کاریکاتور می‌شود نمایشگاه و مطبوعات.

اعتقاد من بر این است که امروز، حوزه هنر (بحث محتوی

هنر کارتون مانند همه هنرهای دیگر تعهدی در برابر جامعه دارد، اما وقتی هنرمند می‌تواند دین و تعهد خود را نسبت به جامعه عمل کند که مجموعه شرایط برای کار مهیا باشد. اما متأسفانه امروز مجموعه شرایط برای اهل هنر فراهم نیست و از این جهت خیلی نمی‌توان انتظار داشت که اتفاق ویژه‌ای از طریق هنرمند کاریکاتور بیفتد. ولی در مجموع هنرمندان ما تا حدی می‌توانستند وظایف خود را انجام داده‌اند.

خاستگاه اصلی کاریکاتور به هر حال مطبوعات است. این درست است که گونه‌ای از هنر کاریکاتور هنر نمایشگاهی است، اما در اصل، کاریکاتور تعهدش را در قبال جامعه، در نشریات است که باید بروز بدهد.

متأسفانه نشریات ما امروز بستر مناسبی برای ارائه آثار هنری و کاریکاتوری نیست چون نه سردبیران نه مدیران مسئول و نه جریان مطبوعاتی کشور چندان به هنر، آن طور که شایسته است اهمیت نمی‌دهند و در نتیجه شما این هنر را در قالب مطبوعاتی خیلی نمی‌توانید ببینید. مجموعه آثاری که امروز در مطبوعات کشور چاپ می‌شوند خیلی قوی نیستند یا حتی اگر به لحاظ تکنیکی قوی باشند، خیلی اثرگذاری لازم را ندارند. به هر حال اگر قرار باشد در کشور کاریکاتور رشد کند، لازم است کاریکاتور مطبوعاتی در کشور رشد کند.

اگر روزی متولیان فرهنگ کشور متوجه شوند که هنر کاریکاتور متعهد می‌تواند وسیله‌ای برای این باشد که مدیر

همکاری بین هنرمندان و برگزار کنندگان است. خانه کاریکاتور می‌تواند این امر را ساماندهی کند و سازمان‌ها و ادارت شهرستان‌ها را برای مدیریت هزینه‌ها مجاب کند. در عین حال وقتی هنرمندانی در شهرستان در حال برگزاری جشنواره‌ها هستند، تهران می‌تواند نقش حمایت‌کننده معنوی خود را ایفا کند.

با توجه به اینکه جشنواره‌های مختلفی در سراسر کشور و با حمایت ارگان‌های مختلف انجام می‌شود، به تبع تنوع موضوعی هم در این سال‌ها خوب بوده. تنوع موضوعی جشنواره‌ها از طرفی هم به دلیل بومی بودن آنهاست. به عنوان مثال در جنوب جشنواره خلیج فارس برگزار می‌شود و در ساری جشنواره جنگل. اگرچه خیلی از ارگان‌ها هم ترجیح می‌دهند که جشنواره با موضوع‌های عمومی‌تر برگزار کنند، مثل حوزه هنری؛ چون رسالت حوزه هنری بیشتر به هنر در ابعاد عمومی‌تر آن بر می‌گردد، بنابراین جشنواره‌هایی با موضوعاتی چون ایران ۱۴۰۴ برگزار می‌کند.

ماهیت آن متفاوت است. شما این طور در نظر بگیرید که من دارم اثرم را برای جشنواره شما ارسال می‌کنم، به طور رایگان هم در اختیار شما قرار می‌دهم، و این اثر در یک کوران داوری قرار می‌گیرد و ممکن است جایزه‌ای ببرد یا نه. این روالی است که در همه جشنواره‌ها دنیا معمول است. کاریکاتور‌نویست‌ها به این مسأله به چشم سفارشی بودن نگاه نمی‌کنند و باعث سفارشی شدن کارهایشان نمی‌گردد. برخی هنرمندان هستند که به طور کلی در جشنواره‌های موضوعی شرکت نمی‌کنند. حتی در بین این هنرمندان هم دلایلی که وجود دارد، کمتر به این مسأله مربوط می‌شود، یعنی اینکه بگویند به دلیل اینکه ما داریم اهداف آن سازمان یا ارگان خاص را برآورده می‌کنیم، در جشنواره حضور نداریم.

متأسفانه هزینه‌هایی که توسط ارگان‌های دولتی یا بخش خصوصی برای برگزاری جشنواره پرداخت می‌شود، معمولاً نسبت بسیار عجیبی دارد با آنچه در تهران اتفاق می‌افتد. ساماندهی به این تفاوت معنادار، نیازمند یک نوع از

می‌شود کم است. در این بین اتفاق‌هایی هم می‌افتد که باید به سمت اصلاح آنها پیش برویم. مثلاً چند جشنواره بین‌المللی که خانه کاریکاتور تهران در چند وقت اخیر برگزار کرد، مانند جشنواره هولوکاست، جشنواره یمن، جشنواره داعش و ... به رغم اثرگذاری بین‌المللی مناسب و بازخورد خیلی خوب، نارضایتی‌هایی را هم از منظر داوری ایجاد کرد، به دلیل انتخاب آثار متشابه. به رغم این اشکال‌های جزئی، اما کلیت، کلیت مناسبی است.

در چنین جشنواره‌هایی که توسط ارگان‌ها حمایت می‌شود، آن سازمان وظیفه دارد بهره‌برداری لازم را از آثار جمع آوری شده با توجه به هزینه‌هایی که دارد، انجام دهد. به نظر من لازم است آن چیزی که مدیریت واحد شهری یا مدیریت واحد هنری نام‌گذاری می‌شود، برای نشر آثار در سطح وسیع‌تر اتفاق بیفتد.

وقتی یک جشنواره برگزار می‌شود، فضایی ایجاد می‌کند که ظاهرش این است که ارگانی به هنرمند سفارش می‌دهد. ولی واقعیت این است که سفارشی نیست. چرا که

میزگردی با حضور داوران جشنواره در خصوص مسایل روز کارتون ایران؛ از شباهت‌های ناگزیر تا ایده‌های ناب

هنوز چند دقیقه‌ای از داوری آثار جشنواره نگذشته بود که از داوران خواهش کردیم تا
با حضور در یک میزگرد، به بحث درباره آثار رسیده به جشنواره بپردازند. صحبت
از جشنواره ایران آینده در آفاق ۱۴۰۴ شروع شد و به مسایلی که در خصوص داوری در
جشنواره‌های مختلف شاهد آن هستیم کشیده شد. آنچه می‌خوانید نتیجه این گفتگوی
یک ساعته با داوران ششمین جشنواره کاریکاتور حوزه هنری خراسان شمالی، آقایان
عباس عبدی، مسعود ضیایی زردخشویی، داوود یاراحمدی، محمدعلی رجیبی و عباس
ناصری است.

ضمن تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید، برای
شروع گفتگو از هیأت داوران خواهش می‌کنم تا نظر خود
را درباره کیفیت آثار جشنواره ایران آینده بفرمایید.
عبدی: اجازه بدهید بحثم را اینطور آغاز کنم که در هر
دوره‌ای هنرمندانی وجود دارند که کیفیت بالایی از خود
نشان می‌دهند و در دوره‌های دیگر ما دچار افت می‌شویم. در
حوزه‌های دیگر هم همین طور است. مثلاً تیم ملی فوتبال هم
در دوره‌های رشد می‌کند و در دوره‌هایی دچار افت می‌شود. در
کارتون هم همین گونه است. در یک زمانی تعدادی هنرمند
با به عرصه گذاشتن که باعث حیرت همه شدند و افتخارهای
زیادی کسب کردند و درخشیدند. اما این طبیعی است که وقتی
شما چند بار جایزه معتبر بین‌المللی کسب می‌کنید، ممکن است
که چندان به برخی از جشنواره‌های ملی و استانی توجه نکنید.
در نتیجه در جشنواره‌ها جا برای تعدادی از هنرمندان دیگر باز
می‌شود. این امر خوبی است، اما از طرفی ممکن است کیفیت
آثار پایین بیاید که این هم طبیعی است. همین می‌تواند تبدیل
شود به سکوی پرتابی برای هنرمندان آینده. به نظر من نه
تنها در این جشنواره،

بلکه در جشنواره‌های
دیگر در ایران هم
این اتفاق در حال
رخ دادن است. چون
جشنواره‌ها به کیفیت
اهمیت می‌دهند، در
نتیجه این مسأله روی
کمیت تأثیر می‌گذارد
و تعداد آثار رسیده
کم می‌شود. بنابراین
با توجه به مقدمه‌ای
که گفتم، شاید تعداد

آثار کم شده است، ولی آثاری از هنرمندان جدید و جوانی
دیدیم که در سال‌های قبل جای قدرت‌نمایی و اقتدار نداشتند
و این موقعیت امروز برای‌شان پیش آمده. از این نظر می‌شود
گفت که جشنواره خوب بوده است. بنابراین نمی‌توان گفت که
کیفیت آثار خیلی بالا بوده. در تمام جشنواره‌هایی که اخیراً
برگزار می‌شود و افراد حرفه‌ای در آن شرکت می‌کنند، شاهد
همین سطح کیفی هستیم.

دورانی اوجی که به آن اشاره کردید مربوط به چه
سال‌هایی بوده است؟

عبدی: به طور مشخص در ۱۰ سال گذشته جوان‌هایی
بودند که آمدند و کم‌کم رشد کردند و الان ورزنه‌هایی هستند
و هر کدام از اینها سی یا چهل جایزه بین‌المللی معتبر را کسب
کرده‌اند. ما فعلاً در اقتدار هستیم و در خیلی از اوقات حرف اول

را در دنیا می‌زنیم. در بسیاری از جشنواره‌های معتبر بین‌المللی،
اسامی شرکت‌کنندگان ایرانی به وفور دیده می‌شود. این اتفاق
قبلاً نمی‌افتاد. قبل از انقلاب که شاید یکی دو کاریکاتورپست
بودند که در جشنواره‌های معتبر شرکت می‌کردند. اساساً امکان
شرکت وجود نداشت، اطلاع‌رسانی ضعیف بود و ... اما در ده
دوازده سال اخیر نسلی از کارتون‌پست‌ها آمده‌اند که من به آنها
افتخار می‌کنم، از آثارشان لذت می‌برم و از آنها یاد می‌گیرم.
تنها نگرانی من این است که تا چند سال دیگر که این
جوان‌ها پیشکسوت می‌شوند، آیا ما نسلی را تربیت کرده‌ایم
که جایگزین آنها بشوند یا خیر. و الا از لحاظ کیفی، نه تنها
در منطقه اول هستیم، بلکه در بسیاری از نقاط دنیا، جزو چند
کشور برتر هستیم.

ضیایی: جشنواره ایران آینده در آفاق ۱۴۰۴ چون موضوع
جدید و نسبتاً سختی داشت، یک حسن داشت و آن هم این
بود که کارتون‌پست‌هایی برای این جشنواره کار دادند که
مجبور بودند بنشینند و به این موضوع فکر کنند. یک وقتی ما
موضوع‌هایی را انتخاب می‌کنیم که خیلی تکرار می‌شود مثل
محیط زیست، ترافیک و ... بنابراین کارتون‌پست‌ها در آرشو
خود جستجو می‌کنند، چون مشخصاً کارتون‌پست‌های حرفه‌ای
به دلیل تکرار این موضوع‌ها، همیشه در آرشوشان کارتونی با
این موضوع‌ها دارند. به همین دلیل کارتون‌پست‌ها عموماً در
چنین جشنواره‌هایی با کارهای آرشویی‌شان شرکت می‌کنند
و سعی نمی‌کنند که فکر کنند و اثری تولید کنند. وقتی شما
به موضوعی مثل محیط زیست، سالی چهار بار مجبورید که
فکر کنید، به زیر و بم این موضوع فکر می‌کنید و به آن سوژه
از زوایای مختلف نگاه می‌کنید و هر بار به یک نقطه جدیدتر
می‌رسید. اما همان طور که گفتم کارتون‌پست‌ها مجبور بودند که
برای این جشنواره فکر کنند و به دلیل اینکه موضوع جدید و
سخت بود، نباید انتظاری که از آثار این جشنواره داریم، مانند
جشنواره‌ای باشد که مدام تکرار می‌شود، چراکه هنرمندان
برای اولین بار است که به این موضوع فکر می‌کنند. در نتیجه
کسانی که در این جشنواره برگزیده شدند، از این نظر که برای
این جشنواره فکر کردند، قابل تقدیر هستند. اما به طور کلی
اگر بخواهیم راجع به سطح کیفی جشنواره بگوییم، نسبت
به دیگر جشنواره‌ها نه خیلی بالاتر و نه خیلی پایین‌تر است،
به این دلیل که کارتون‌پست‌هایی که در این جشنواره شرکت
کردند، کارتون‌پست‌هایی هستند که جوایز متعدد برده‌اند و در
دیگر جشنواره‌ها هم شرکت می‌کنند.

رجیبی: جشنواره کاریکاتور ایران آینده در آفاق ۱۴۰۴ روایتی
از سند چشم‌انداز ایران است که تصویری زیبا و مثبت از آینده
قرار است که نشان دهد. این جشنواره به نظر پیشخوان و
ویرترین و یا به عبارت بهتر پیش‌بینی تصویری از آن آفاق
است که توسط کارتون‌پست‌ها انجام شده است. پرداختن به

این موضوع با توجه به اینکه نگاه اول یک کارتون‌پست، نگاه
منتقدانه است، کمی کار را برای هنرمندان سخت کرده بود،
ولی همین امر باعث شده بود که هنرمندان با تفکر و تعمق
بیشتر کار کنند. از منظر دیگر، فرهنگ سازی و آماده‌سازی
ذهنی برای جامعه که یکی از اهداف این جشنواره است، به
نحوی می‌توان گفت که توسط کارتون‌پست‌ها شروع شده است
و تکثیر و توزیع آثاری که از این جشنواره منتشر می‌شود،
می‌تواند در ترسیم سند چشم‌انداز بین جامعه نقش داشته باشد.
ناصری: ما از روز اول که جشنواره را شروع کردیم
می‌دانستیم که امسال از نظر کمی با افت مواجه خواهیم شد.
همان طور که دوستان هم اشاره کردند، موضوع به نوعی
دارای حساسیت بود و مهم‌تر اینکه قبلاً چنین موضوعی را
نداشتیم. اما نکته مهم این است که بخش اعظمی از ۳۷۱ اثری
که در جشنواره به دست ما رسید، تولید شده و می‌توان
گفت به نسبت اینکه کارها تولیدی (و نه آرشویی)‌اند، آثار
خوبی هستند. شاید به نسبت جشنواره‌ای با موضوعی مثل
محیط زیست - همان طور که جناب ضیایی اشاره کردند - و
همه آرشو غنی‌ای از آن دارند، ضعیف‌تر باشد، اما به نسبت
جشنواره‌ای که قرار است همه آثار آن تولید شوند، من مدعی
هستم که چیزی کم ندارد.

عبدی: ضمن اینکه موضوع هم موضوع سختی بوده. در
این گونه موضوع‌ها کمتر می‌توان کاریکاتور کشید. ممکن
است این موضوع برای شعر، خوشنویسی، مجسمه‌سازی و
... خوب باشد، ولی برای کاریکاتور که همواره باید انتقاد و
اعتراض کند، سوژه مناسبی نیست ولی با همه اینها بچه‌ها
خیلی خوب زحمت کشیده بودند. شاید بتوان گفت که اگر
موضوع کمی لطیف‌تر یا خشن‌تر باشد، بچه‌ها بهتر می‌توانند
سوژه یابی کنند.

یاراحمدی: در مورد کیفیت آثار باید بگویم که عملاً
بسیاری از آثار به سمت تصویرسازی رفته بود.

آیا این به خاطر موضوع جشنواره بود؟
یاراحمدی: نه! در چند سال گذشته، در جشنواره‌ها (خطاب
من به جشنواره‌های کاریکاتور حوزه هنری خراسان شمالی
نیست) آثاری مورد توجه قرار گرفته بودند که به لحاظ ساخت
و ساز، پردازش تصویری، تکنیک‌های دیجیتالی (که بسیار
مرسوم شده است) و ... خیلی به این سمت گرایش پیدا کرده،
چراکه عمده جوایز به چنین آثاری داده شده است. این بود که
اجراها از کارهای خطی دور افتاده بود. داوران این جشنواره به
اجماعی رسیدند که برگردیم به آن سنت و آن اجراهای اولیه
که هنرمندان از کاریکاتور دور نشوند. به همین دلیل خیلی از
کارهایی که به سمت گرافیک یا تصویرسازی میل کرده بود،
از دور خارج شدند چراکه قرار نیست ما یک اثر گرافیکی را
جایگزین کاریکاتور کنیم. این مرحله اول فیلتر آثار بود و آنچه

**عبدی، ما فعلاً در اقتدار
هستیم و در خیلی از
اوقات حرف اول را در
دنیا می‌زنیم. این اتفاق
قبلاً نمی‌افتاد. قبل از
انقلاب که شاید یکی دو
کاریکاتورپست بودند که
در جشنواره‌های معتبر
شرکت می‌کردند. اساساً
امکان شرکت وجود
نداشت، اطلاع‌رسانی
ضعیف بود**

گرفتن همه این مسایل است. این اعتراض‌ها به نوعی طبیعی هم هست. ما در مسابقات ورزشی هم شاهد این هستیم که تیم‌ها یا ورزشکاران بازنده، برای آرامش روانی هم که شده تقصیر باخت را بر گردن داور می‌اندازند.

ناصری: من فکر می‌کنم این بحث فقط در ایران است، چون ما ایرانی‌ها کلاً معترضیم. در جشنواره‌های خارجی، من هیچ جا چنین چیزی را ندیده‌ام، مگر در جایی که تشابه اثری آشکار شود.

ضیایی: در جشنواره‌های داخل ایران هم ما هیچ فرد خارجی را ندیده‌ایم که اعتراض کند.

ناصری: به نظر من هنرمند واقعی باید طور دیگری اعتراض خود را بیان کند. به عنوان مثال من در جشنواره‌ای شرکت کرده‌ام و اعتقاد داشتم که باید اول می‌شدم ولی نشدم و معترضم که داور بد بوده، من با برنده شدن در چهار جشنواره دیگر باید اعتراضم را به این قضیه نشان بدهم اگر که فکر می‌کنم بد داور شده و داور به رقابیش جایزه داده است، نه اینکه با سر و صدا و هوچی‌گری این کار را بکنم.

یاراحمدی: ما یاد نگرفته‌ایم به داورها و انتخاب‌های ایشان احترام بگذاریم.

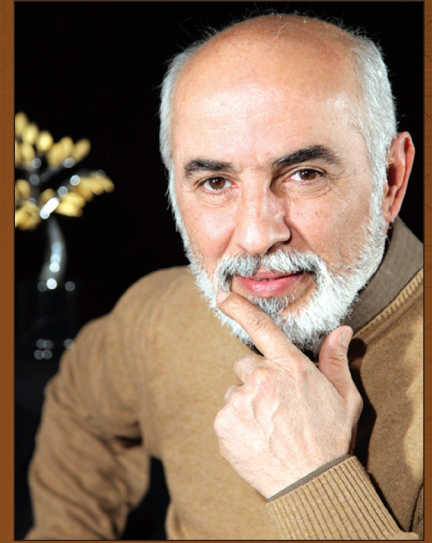
ناصری: اعتراض در خارج از کشور هم هست، به صورت صنفی و شدید هم هست، اما برای اینکه چرا فلان کار که مشابه است، جایزه گرفته. اما اینکه به داور بگویند تو با فلان کس رابطه داری و به دوستت جایزه داده‌ای و ... را من در جشنواره‌های خارجی اصلاً ندیده‌ام.

ضیایی: البته این حرف‌ها تیم داور را میرا نمی‌کند و

به این معنی نیست که تیم‌های داورى ما در ایران تیم‌های بسیار خوبی هستند. من چنین چیزی را قبول ندارم. تیم‌های داورى توسط دبیر جشنواره انتخاب می‌شود و گاهی هم امکان دارد که بر اساس شایستگی‌ها نباشد، خیلی از این انتخاب‌ها ممکن

ضیایی: این دلیل بر این نیست که ما در داورى مان مشکل نداریم. به عقیده من، ما در داورى مان مشکل داریم. مشکل مان هم بسیار زیاد است. روی آن هم باید بسیار بحث کنیم که بتوانیم داورى مان را تخصصی‌تر کنیم. داور باید بتواند تشابه را تشخیص بدهد.

است به خاطر روابط باشد، خیلی‌ها ممکن است بر اساس سفارش اسپانسر باشد، حتی دبیر هم ممکن است برای انتخاب داور چندان دستش باز نباشد. بنابراین اولاً داورها ممکن است توسط دبیر انتخاب نشوند، ثانیاً چیدمان تیم‌های داورى به نظر من چندان مناسب نیست، یعنی از بین افراد متخصص انتخاب نمی‌شوند. انتخاب داور با سه معیار است؛ افراد متخصص، افراد نامدار، افراد سفارش شده. در تمام جشنواره‌هایی که ما در داخل ایران برگزار می‌کنیم از این سه قشر وجود دارند. بنابراین اگر دست دبیر باز باشد که داورها را تنها از بین متخصصان انتخاب کند، مشخصاً خروجی‌های بهتری می‌دهد و اعتراض‌ها کمتر شده و اعتماد کارتون‌بست‌ها هم بیشتر خواهد شد. ولی وقتی تیم‌های داورى مدام تکرار می‌شوند، خروجی‌ها هم تکراری و سلیقه‌ای می‌شود. بدیهی است که شما وقتی از یک سلیقه



که همه افراد بتوانند زود با آن ارتباط برقرار کرده و اثر را بفهمند. یک اثر باید همه این فاکتورها را داشته باشد تا اینکه تازه همان طور که استاد یار احمدی گفتند ذائقه و سلیقه داورها وارد شود. یعنی در واقع اینطور نیست که بگوییم داورى سلیقه‌ای است. بلکه اثر باید این پنج فاکتور را داشته باشد تا به مرحله بالاتر بیاید و تازه در فینال است که سلیقه داور به عنوان یک فاکتور وارد می‌شود. تازه در همان مرحله هم بحث می‌شود چرا که آثار برنده عموماً توسط هنرمندان جوانی که وارد این کار می‌شوند الگوسازی می‌شود و به عنوان مثال سعی می‌شود که یک اثر خطی حتماً جزو آثار برنده باشد تا هنرمندان جوان به سمت نقاشی، تصویرسازی، فوتولژ یا گرافیک نروند و سعی می‌شود آثاری انتخاب شود که کاراکتر و شخصیت کاریکاتور را داشته باشد. از طرفی به دلیل اینکه بسیاری از کارتون‌بست‌ها الان کارهای پر ساخت و ساز انجام می‌دهند، سعی می‌کنیم آنها هم در آثار منتخب بمانند، نه اینکه به طور کامل حذف شوند چرا که باعث تنوع و رنگ و لعاب دادن به فضای جشنواره می‌شود.

اما به رغم اینکه همه داوران جشنواره‌های مختلف در سال‌های گذشته، متفق القول بر این اصول تأکید داشته‌اند، اما خصوصاً در یکی دو سال گذشته می‌بینیم که پس از داورى جشنواره‌ها همیشه اعتراض‌های فراوانی از جانب برخی افراد به داورى‌ها صورت می‌گیرد. دلیل این امر را چه می‌دانید؟

رجیبی: در جشنواره‌های کارتون ما با قشری طرف هستیم که اساس روحیه‌اش بر نقد و انتقاد است. قطعاً نتیجه جشنواره هم موضوعی است که می‌تواند به آن نقد داشته باشد و برای نقد هم اولین هدفی که پیش روی منتقد است، بحث داورى است. گاه کسانی که همیشه در جشنواره‌های مختلف شرکت دارند، تیم‌های داورى را شناسایی می‌کنند و گاهی این شائبه به وجود می‌آید که چون فلان داور در این جشنواره داورى می‌کند، افراد خاصی را انتخاب می‌کند. قطعاً این طور نیست. یعنی شما به عنوان داور نمی‌توانید یک کار که به لحاظ شکلی، اصول و مبانی هنرهای تجسمی را رعایت نکرده است، در فینال از آن دفاع کنید. در جشنواره‌ها هم هدف این است که پیام آن جشنواره را به مخاطب‌ها انتقال بدهد. یعنی سواى بحث شکلی اثر داورى، توانایی هنرمند در انتقال پیام بسیار اهمیت دارد. آثاری هم که انتخاب می‌شوند، با در نظر

به جا ماند، آثار خطی خوبی بودند که می‌توانم بگویم قابل دفاع است و هم به لحاظ اجرایی نسبت به آثار خارجی قابل رقابت. با توجه به تجربیات مختلفی که هر کدام از شما به عنوان داور در جشنواره‌های مختلف داشته‌اید، خواهش می‌کنم بفرمایید در داورى جشنواره کاریکاتور چه فاکتورهایی باید مورد توجه قرار بگیرند؟

عبدی: برخی نوآوری‌ها و دادن خطوط تازه باعث می‌شود که بعضی از سوژه‌ها برجسته شوند و کاریکاتوربست‌هایی که این سوژه‌ها را کار می‌کنند، خودشان را از سایر کاریکاتوربست‌ها متمایز می‌کنند. تا وقتی که این نوآوری در کار ایشان باشد باقی می‌مانند. شما بازیگری را در نظر بگیرید که مدام در حال انتخاب نقش‌های مختلف است در مقایسه با بازیگری که همیشه یک نقش را ایفا می‌کند. اما برخی از هنرمندان هستند که منتظرند ببینند کدام اثر در جشنواره‌ای برنده جایزه می‌شود تا آنها در جشنواره بعدی همان تم را انتخاب کنند. بنابراین نوآوری اصل اول است. ناب بودن سوژه، هماهنگی و ارتباط با موضوع، متفاوت بودن، طراحی قوی یا ضعیف، رعایت کردن یا نکردن پرسپکتیو و ... دلایل زیادی برای رد یا قبول یک اثر در هر جشنواره‌ای هست. اما بی‌عدالتی وقتی پیش می‌آید که ما مجبور می‌شویم از بین ۱۰ یا ۲۰ اثری که به مرحله نهایی رسیده‌اند، دو یا سه اثر را انتخاب کنیم، آن هم به این دلیل که نمی‌توان به همه آثار جایزه داد.

یاراحمدی: یک بخش از داورى هم نسبی و فراخور احوال داوران است. هر داورى در طول سالیان فعالیت خود با تکنیکی کار می‌کند و آثاری را انتخاب می‌کند که این انتخاب‌ها تبدیل می‌شوند به یک تیپ با علاقه‌های مشخص آن داور. ضمن اینکه مواردی که جناب عبدی فرمودند، حتماً باید در آن قالب رعایت بشود. ممکن است یک داور کارهای سوررئال را بپسندد و داور دیگر به قدرت خط یا رنگ گذاری توجه کند. اما به طور کلی در هر اثری باید ویژگی‌های پایه شامل مبانی گرافیک، چهره‌پردازی، جغرافیای جای‌گیری عناصر و ... رعایت شود. این است که انتخاب‌ها تا حدودی نسبی هم هست.

ضیایی: بر اساس آنچه آقایان عبدی و یار احمدی گفتند، داورى به طور خلاصه پنج فاکتور دارد که عبارتند از داشتن ایده خلاقانه، مرتبط بودن با موضوع، عدم تشابه (چراکه تشابه خط قرمز مسابقه است و اثری که تشابه داشته باشد حذف می‌شود)، فضا سازی و طراحی مناسب و داشتن طنز مناسبی

داور انتخاب می کنید، خروجی های تان هم از یک سلیقه است. شما می بینید که یک کارتون نیست در ۱۰ جشنواره پشت سر هم برنده می شود. پیگیر که باشید می بینید که یک تیم در حال داوری این جشنواره ها است و حتی اگر یک تیم داوری را انجام ندهد، یک سازمان کار داوری را انجام می دهد که آن سازمان به چنین خروجی هایی معتقد است، یعنی طوری چیدمان را انجام می دهد که خروجی مشابه دریافت کند. پس برخی از انتقادها به داوری در ایران کاملاً درست است و اینطور نیست که تمام داوری های ما درست است و هیچ مشکلی ندارد و خروجی های ما کاملاً خروجی های درستی است. من فکر می کنم بخشی از این قضیه به داوری ها ارتباط دارد و بخشی دیگر به هنرمندان.

عبدی: من با این امر موافق نیستم. به هر حال شخصی به نام دبیر جشنواره، یک تیم را به عنوان داور انتخاب کرده است. ما باید یاد بگیریم که احترام بگذاریم. داور کسی است که بر اساس یک فاکتورهایی انتخاب شده است، هنرمند حق اعتراض ندارد. همه این اعتراض ها هم بر مبنای پول است. اگر مبنای این قضاها هنر بود، هیچ وقت چنین اتفاقی نمی افتاد. من به شما قول می دهم که در هیچ داوری امکان ندارد که پارتی بازی شود، مگر اینکه اصل قضیه زیر سؤال باشد؛ مثلاً در جایی یک نفر به تنهایی داوری می کند ولی اسم چند نفر را به شکل صوری ذکر کرده است، آنجا دیگر داوری ای وجود ندارد. من چند سالی است توفیق این را دارم که با جوان ها کار کارگاهی انجام بدهیم. همان روز اول با آنها اتمام حجت می کنم که شما حق هیچ گونه اعتراضی به داوری ها ندارید.

مسئله اینجاست که این را یاد نگرفته اند. می بینند در فلان جشنواره هزار دلار جایزه می دهند، در جشنواره های دیگر سه هزار دلار می دهند و... وقتی جایزه به طرف تعلق نمی گیرد، چون فکر می کند خیلی زحمت کشیده است، شروع می کند به تخریب. من می گویم

یاراحمدی: یک بخش از داوری هم نسبی و فراخور احوال داوران است. هر داوری در طول سالیان فعالیت خود با تکنیکی کار می کند و اناری را انتخاب می کند که این انتخابها تبدیل می شوند به یک تیپ با علاقه های مشخص آن داور... این است که انتخابها تا حدودی نسبی هم هست.

اصلاً چگونه می شود که پارتی بازی کرد. در همین جشنواره اثری بوده که من به آن رأی دادم، شما مخالف آن بودید، مگر من اعتراض می کنم که چرا اینطور است؟

ضیایی: ببینید! من اعتراض به داوری را نمی پذیرم. چون فصل الخطاب جشنواره و کسی که حرف نهایی را می زند داور است، یعنی تمام شرکت کنندگان وقتی که در یک مسابقه شرکت می کنند، پذیرفته اند که دیگر خودشان حق قضاوت ندارند. این یعنی اینکه من وقتی در مسابقه ای شرکت می کنم، دیگر نمی توانم خودم قضاوت بکنم که اثر من بهتر است و چرا فلان اثر جایزه گرفته. اگر من در چنین مقامی هستم دیگر شرکت کننده نیستم بلکه قاضی هستم. پس اگر من در یک مسابقه شرکت کرده ام، قضاوت را به «دیگری» سپرده ام، در نتیجه من حق اعتراض را از خودم سلب کرده ام. اعتقاد



من این است که داوری انجام می شود و وقتی تمام شد، آن جشنواره را باید برای خود تمام شده بدانیم و به مسابقه های دیگر فکر کنیم. اما این دلیل بر این نیست که ما در داوری مان مشکل نداریم. به عقیده من، ما در داوری مان مشکل داریم؛ مشکل مان هم بسیار زیاد است، روی آن هم باید بسیار بحث کنیم که بتوانیم داوری های مان را تخصصی تر کنیم. داوری تخصصی یعنی چه؟ داوری فقط این نیست که بگوییم این اثر خوب است یا نه. داور باید بتواند تشابه را تشخیص بدهد. خیلی از جشنواره های ما خروجی مشابه دارد و جایزه بزرگ را به اثری می دهیم که تشابه کامل دارد. چرا؟ به دلیل اینکه داور تخصص تشابه ندارد. من یا افراد دیگر نباید بگوییم که این اثر مشابه است، داور باید خودش این را تشخیص بدهد.

یاراحمدی: علت اینکه این تشابهها اتفاق می افتد این است که -اجازه بدهید کمی واضح تر صحبت کنیم- آن داور خودش را روزآمد نکرده است. جناب عبدی در ابتدای بحث اشاره کردند که هنرمند باید خود را به روز نگه دارد. این داور از بس کار ندیده است، از بس آثار خارجی را رصد نکرده، کاری که تنها تکنیک قوی دارد را انتخاب می کند.

عبدی: اصلاً مگر می شود که شما همه کارها را ببینید؟ مگر بیکاری که بتوانی این کار را بکنی؟
یاراحمدی: منظور این نیست. مثلاً شما در طول سال های گذشته هر روز تعدادی اثر دیده اید. این ذهن شما را تر و تازه نگه می دارد.

ناصری: گاهی اوقات کاری هست که الزاماً مشابه آن را ندیده ایم، ولی از نوع ایده و پرداخت کاملاً واضح است که کار کپی است.

عبدی: طرف اثری از خارج از کشور را بر می دارد، امضای آن را پاک می کند و امضای خودش را می گذارد و دوباره در همان کشور برنده می شود. هنرمند باید احترام بگذارد و از همه مهم تر باید شرف و وجدان کاری داشته باشد و نباید تقلب کند.

ناصری: این افرادی که دائماً اعتراض می کنند، باید یک چیز را یاد بگیرند و آن هم اینکه از قدیم گفته اند پیشگیری بهتر از درمان است. وقتی جشنواره ای داوری اش صوری است و داستان هایی که همه می دانیم در آن اتفاق می افتد، وقتی دوباره فراخوان می دهد، همه این دوستان با بهترین کارهای شان دوباره در آن شرکت می کنند. من در یکی از این جشنواره ها به دوستان گفتم شما که می دانید داوری به



این شکل است، برای چه شرکت می کنید، شرکت می کنید که اعتراض کنید؟

عبدی: طرف اعتراض می کند، بعد همین فرد در جای دیگری داور می شود و دیگران به او هم اعتراض می کنند. تو به چه دلیل تخم این کار را می کاری که در نهایت دامن خودت را هم بگیرد؟ این کار کاملاً غیر حرفه ای است.

ناصری: قانونی که ما از بزرگ ترهای مان یاد گرفته ایم این است که وقتی کاری برای جشنواره ای فرستادی، فراموش کن که کار را برای کجا ارسال کرده ای که اگر هم برنده شدی، حس غافلگیری در تو به وجود بیاید.

ضیایی: در صورتی که الآن هنگام داوری با آدم تماس می گیرند تا نتیجه را بدانند!

رجبی: در مورد آفت تشابه باید بگوییم که با توجه به گسترش فضای مجازی و دسترسی به اطلاعاتی که الآن بسیار فراگیر و آسان شده است و اینکه سایتها و سندیکاهایی هستند که دارند روزانه چندین کار را به اشتراک می گذارند -حتی به روزترین سایتها- امکان اینکه همه این کارها را بتواند در آرشيو ذهني خود ثبت کند و این را بتواند در داوری خود لحاظ کند، اساساً شدنی نیست. منتهی راهکاری که در جشنواره های بین المللی دیگر هم دارند این است که در یک بازه زمانی اگر مشخص شد که واقعاً این کار تشابه دارد (آن هم تشابه عمد، یعنی تشابهی که نتوانی آن را به این نسبت بدهی که دو نفر در دو نقطه مختلف یک ایده به ذهن شان خطور کرده است) راهکاری حقوقی باید برای آن تعریف کرد که امکان بازگشت آن جایزه و اعلام عمومی آن به جامعه کارتونست ها وجود داشته باشد که این کار به این دلیل جایزه اش پس گرفته می شود.

ضیایی: چنین کاری در دنیا انجام می شود، یعنی اگر کاری تشابه داشته باشد، آن را از جوایز جشنواره خارج می کنند.

یاراحمدی: جشنواره وردپرس فتو هم همین اتفاق می افتد؛ عکسی را که انتخاب کرده بودند، به علت ساختگی بودن عکس، آن را از دور خارج کردند.

ضیایی: ما در ایران چنین کاری نمی کنیم. یعنی یک سری تعارفات و حالات عاطفی ایرانی مان باعث می شود که این کار را نکنیم. فکر می کنیم این کار خوب است در حالی که بسیار آفت دارد. اما به طور کلی باید بگوییم که داشتن تشابه در بیست درصد کارها در هر جشنواره ای طبیعی و پذیرفتنی است.



وقتی شما سیزده اثر برنده قرار است انتخاب کنید، داشتن دو یا حتی سه اثر مشابه هم طبیعی است.

عبدی: جواد مجابی کتابی ترجمه کرده است به نام شباهت ناگزیر که در آن به مواردی اشاره می‌کند که در هنرهای مختلف دو هنرمند در فاصله‌های زمانی، آثاری شبیه به هم تولید کرده‌اند. این امر در همه هنرها هست، در کارتون هم وجود دارد. این البته فرق می‌کند با اینکه کسی عین اثر شخص دیگری را بیاورد؛ اسم این دیگر سرقت است. مسأله این است که کاریکاتور نسبت به بسیاری از هنرهای تجسمی هنر جدیدتری شناخته می‌شود. جوان‌های ما هم بلد نیستند و با روال کار آشنا نیستند، یعنی فرهنگ آن وارد نشده است. تقصیری هم ندارند، چون بزرگ‌ترهای ما به آنها یاد نداده‌اند. یکی از خصلت‌های هنرمند بودن، اطاعت محض از قضاوتی است که درباره کار او می‌شود. اگر درباره یکی از کارهای اینها انتقادی بشود چه کار می‌خواهند بکنند! ما در بسیاری از هنرها منتقد داریم، اما در کاریکاتور منتقد نداریم. حالا اگر کسی از کسی انتقادی بکند، تبدیل می‌شود به دشمن خونی آن فرد و طرف تا او را زیر ماشین نفرستد، آرام نمی‌گیرد!

ضیایی: کارتونیست‌های اثبات شده، کسانی که آثار زیادی دارند (بالاخره کسی که زیاد مشق می‌نویسد، غلط هم خواهد داشت)، حتی اگر تشابهی هم در کارشان دیده شود، کسی به این فکر نمی‌کند که او در صدد کپی کردن بوده است، چون با آثار زیادی که داشته خود را اثبات کرده و حتی اگر تشابهی هم وجود داشته باشد، خطای ذهنی است. اما کارتونیست‌هایی هستند که شما وقتی به پنجاه اثر وی نگاه می‌کنید، می‌بینید که چهل تایی آنها تشابه پنجاه تا صد درصد دارد.

سوآلی که مطرح می‌شود این است که گاه پیش می‌آید که شما به عنوان هنرمند در حال تولید اثری هستید، آن طرف دنیا هم کسی دارد به همین ایده فکر می‌کند. چطور می‌توان شبیه بودن ایده‌ها یا کپی بودن آن را تشخیص داد؟

عبدی: یک وقتی هست که شما از فیلمی اقتباس می‌کنید، اما زمانی هست که سکانس به سکانس آن را دوباره می‌سازید؛ این حالت دوم است که مشکل ایجاد می‌کند، نمونه‌اش را هم فراوان دیده‌ایم. وگرنه اقتباس و کامل کردن ایده، مثل اینکه شما اثری را می‌بینید و از آن ایده‌ای دیگر به ذهنتان می‌رسد، چیز پسندیده‌ای است و اساساً پویایی هنر همین است. نمی‌شود از هنرمندان بخواهیم هر کسی کار خودش را انجام بدهد.

ناصری: این مسأله ثابت شده است که اگر کسی به دنبال کپی ایده‌های باشد، بالاخره حتی اگر شده در یک نقطه، این مسأله عیان می‌شود. این امر را به دفعات شاهد بوده‌ایم. حتی خود آقای ضیایی تجربه این را داشته‌اند که در یک اثر که برنده جایزه هم شده بود، سیزده مورد تشابه را شناسایی و اثبات کردند که بعدها خود هنرمند نیز به آن اعتراف کرد.

یار احمدی: این یک امر ناگزیر است و نمی‌توان از آن فرار کرد. اما هر کدام از داورهایی که در جشنواره‌ها حضور دارند، به پیشینه آنها که نگاه کنید، سال‌های سال است که هم کار دیده‌اند و هم کار خلق کرده‌اند. وقتی پنج داور در جشنواره‌ای داوری می‌کنند، هر کدام از اینها در زندگی‌شان بدون اغراق بیش از بیست هزار (و حتی بیشتر) کار دیده‌اند، مجموع اینها می‌شود بیش از یک میلیون کار. بنابراین بسیار بعید است که اثری کپی باشد و هیچ کدام از داورها مشابه آن را ندیده باشند. خودم را عرض نمی‌کنم، اما باقی دوستان آنقدر در جشنواره‌ها داوری کرده‌اند و کار دیده‌اند که آن ده یا بیست درصد تشابه‌ها واقعاً یک اتفاق است.

عبدی: حتی در مورد یک هنرمند در جشنواره‌های مختلف کارهایش را دیده‌ایم و می‌دانیم که او در فلان جشنواره‌ها چه آثاری را تولید کرده است.

ناصری: امروز ما با دیگر دوستان درباره این صحبت می‌کردیم که ای کاش برگردیم به زمانی که آثار را به صورت پستی ارسال می‌کردیم. الان اگر من بخواهم اثری را که قبلاً تولید کرده‌ام برای جشنواره‌ای ارسال کنم، با وجود اینترنت در عرض چند ثانیه این کار را می‌کنم، اما چند سال پیش، حتی اگر کاری را که قبلاً انجام داده بودم می‌خواستم دوباره برای جشنواره‌ای دیگر بفرستم، باید دوباره آن را اجرا می‌کردم. در این گیر و دار، یا همان اثر را دوباره اجرا می‌کردم و این به غنای تکنیکی من کمک می‌کرد، یا اینکه همان را تبدیل به یک ایده دیگر کرده و اثری جدید خلق می‌کردم.

عبدی: من چند وقتی است که واقعاً می‌ترسم که کار کنم. چند وقت پیش ایده‌های به ذهن من رسید که شخصی در حال غرق شدن است و دارد از خودش سلفی می‌گیرد. من گاهی وقتی برای کاری اتود می‌زنم از اطرافیانم نظرخواهی می‌کنم. با پسرکم که درباره این کار صحبت کردم، گفت تکراری است. از او پرسیدم که تو مشابه این را دیده‌ای؟ گفت: معلوم است که این ایده تکراری است! همین جمله باعث شد که من و پسرکم هر کدام تا دیر وقت برای پیدا کردن اثری شبیه به این در اینترنت وقت بگذاریم. همه جور اثری را هم نگاه کردیم، از عکس گرفته تا نقاشی و کارتون، شوخی، جدی و ... خوب!

این بد است که من با این سن و سال و سابقه از این ترس داشته باشم که نکند این اثر بیرون بیاید و چند نفر جوان شروع به هوجوی‌گری کنند و با آبروی آدم بازی کنند. قبلاً هنرمندان در کافه‌ها و دیگر مکان‌ها می‌نشستند و بحث‌های هنری می‌کردند، اما امروزه به جای آن حرف‌ها می‌نشینند و آبروی آدم‌ها را می‌برند. این است که من مدتی است از آبروی خودم ترس دارم و کمتر کار می‌کنم.

ضیایی: این مسأله ترس از پیدا شدن تشابه در بنده هم هست، اگرچه باعث نشده که کمتر کار بکنم. من خودم بی‌اینکه از کسی سوژه بگیرم، هر روز برای خودم موضوعی مطرح می‌کنم و اتود می‌زنم. اما این مسأله تشابه را من با خودم این گونه حل می‌کنم که وقتی من دارم کاری را برای چاپ در کتاب یا وبلاگ یا چیزی شبیه به این تولید می‌کنم و قرار هم نیست که در هیچ جشنواره‌ای شرکت کند و جایزه بگیرد، بابت آن دستمزدی هم نگرفته‌ام و در واقع برای دل خودم دارم کار می‌کنم، دلیلی ندارد که نسبت به تشابه بودن یا نبودن آن حساسیت زیادی به خرج دهم. ممکن است واقعاً شخص دیگری هم در حال اجرای کاری درست همانند این اثر باشد. کسی هم اگر بخواهد اعتراض کند، استدلال من همین‌ها است که گفتم، این را هم اشاره کنم، حتی در مورد شاخصی چون استاد عبدی و استاد درم‌بخش و بسیاری از اساتید دیگر، باز هم آثاری پیدا می‌شوند که مشابه باشند، اما این افراد در طول سالیان مختلف آنقدر کارهای خلاقانه‌تر، یادانجام‌داده‌اند و آنقدر جایگاهشان اثبات شده است که حتی در صورت بروز چنین اتفاقی کسی به آن توجه نمی‌کند، چرا که همه مطمئن هستند تشابه در اثر کسی با این همه سابقه واقعاً یک اتفاق است نه بیشتر. همه کارتون‌های

حرفه‌ای و با سابقه هم این را می‌دانند که شباهت ناگزیر است. شما مطمئن باشید فردای روزی که نتایج همین جشنواره بی‌چون و منتشر شود، عده‌ای شروع به انتقاد می‌کنند تا جشنواره بعدی.

عبدی: فکر می‌کنم همه می‌دانند که چه کسانی دارند اعتراض می‌کنند.

یعنی شما هیچ وقت نمی‌بینید که کسی مثل آقای عزیزاده یا آقای ضیایی یا همین آقای ناصر اعتراض کنند.

رجبی: من سومین رقابتی است که به عنوان داور در خدمت دوستان هستیم. اما نکته جالبی که در این جشنواره دیدم این بود که به رغم اینکه ما هیچ میثاق قبلی با هم نبسته بودیم و بنده با دوستان سابقه دوستی خیلی طولانی هم ندارم، اما داوری با راحت‌ترین شکلی انجام شده و حتی در فینال هم بدون درگیری کلامی و دلخوری به نتیجه مشترک رسیدیم. به همین دلیل به نظر من واقعاً به دور از انصاف است که در مورد این جشنواره قرار باشد اعتراضی در زمینه سلیقه داورها و باند بازی و این مسایل داشته باشند.

با تشکر از همه بزرگواران از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

ناصری: نکته مهم این است که بخش اعظمی از ۳۷۱ اثری که در جشنواره به دست ما رسید، تولید شده و می‌توان گفت به نسبت اینکه کارها تولیدی (و نه ارشویی) اند، آثار خوبی هستند و به نسبت جشنواره‌ای که قرار است همه آثار آن تولید شوند، چیزی کم ندارد.

رجبی: جشنواره کاریکاتور ایران آینده روایتی از سبند چشم‌انداز ایران است که تصویری زیبا و مثبت از آینده قرار است که نشان دهد. این جشنواره به نظر پیشخوان و ویتزین و یاب‌عبارت بهتر پیش‌بینی تصویری از آن افق است که توسط کارتون‌سبست‌ها انجام شده است.

جشنواره کاریکاتور ایران آینده به کار خود پایان داد؛

لزوم ترسیم هنرمندان رؤیای ایران آینده

وی متذکر شد: رسیدن به رشد اقتصادی ۷ درصدی در این سند جز با ترویج فرهنگ، کار و بهره‌وری و گسترش حمایت از تولیدات داخلی محقق نمی‌شود. نمازی‌زاده بستر همه این مسائل را در فرهنگ دانست و اظهار داشت: در این بستر ابراز مناسب ابراز هنر است تا این جریان فرهنگی اتفاق بیفتد.

عصر چهارشنبه یکم مهرماه، ششمین سالانه جشنواره سراسری کاریکاتور ایران آینده در آفاق ۱۴۰۴ با معرفی آثار برگزیده و شناسایی نفرات برتر به کار خود پایان داد. مراسم اختتامیه جشنواره سراسری کاریکاتور ایران آینده در آفاق ۱۴۰۴ با حضور مدیرکل امور دولت



یادداشت

برگزاری پنج دوره متوالی سالانه کاریکاتور خراسان شمالی در سال‌های گذشته، به لطف باری تعالی باعث شده است که این جشنواره جایگاه خود را بین هنرمندان کارتون‌نویس کشور به خوبی پیدا کرده و هنرمندان سراسر کشور، این جشنواره را به عنوان جشنواره‌ای معتبر که همواره موضوع‌های متفاوت و روش اجرای سالمی دارد بشناسند.

همین نگاه هنرمندان از طرفی و حساسیت‌های ویژه حوزه هنری به مسایل اساسی مورد توجه نظام اسلامی و تلاش جهت تبیین هرچه هنری‌تر این مسایل در جامعه، باعث شده است که انتخاب موضوع برای جشنواره، هر ساله با حساسیت‌های بیشتری دنبال شود و اتاق فکر این جشنواره، تلاش کند تا علاوه بر اینکه موضوعی جذاب و ویژه برای جشنواره انتخاب می‌کند، باعث ایجاد تفکر عمیق در بین هنرمندان و مخاطب‌های ایشان شود.

با در نظر گرفتن همه این نکات بود که اتاق فکر جشنواره برای ششمین دوره آن، پس از بحث‌های فراوان، موضوع ایران آینده در آفاق ۱۴۰۴ را برگزید؛ موضوعی که علاوه بر بدیع بودن، باعث ایجاد حساسیت‌های ویژه‌ای بین هنرمندان و مخاطبان می‌گردد و آینده نگر نیز است.

به رغم اینکه موضوع انتخابی، به زعم داوران جشنواره موضوعی سختی برای تولید کاریکاتور بود، اما هنرمندان کارتون‌نویس نشان دادند که با خلاقیت و ایده‌های خوب می‌توان آثاری درخور پدید آورد. نگاهی به آثار راه یافته به نمایشگاه و آثار منتخب جشنواره (که در قالب این کتاب ارائه می‌گردد)، به خوبی بیانگر این مسأله است که هر کدام از هنرمندان سعی کرده‌اند تا از زاویه‌ای جدید و بدیع به این موضوع نگاه کنند. ویژگی دیگر این دوره جشنواره این بود که به علت نبود بخش آزاد، هنرمندان باید در قالب موضوع جشنواره تولید اثر می‌کردند و همین امر، اگرچه باعث افت نسبی جشنواره از نظر کمی گردید، اما ناب و کیفی بودن آثار، غنایی ویژه به جشنواره بخشید. دریافت ۳۷۱ اثر از ۱۵۲ هنرمند از ۲۲ استان از سراسر کشور، نشان از دغدغه‌مندی هنرمندان نسبت به این موضوع دارد. امیدواریم که این جشنواره فتح بابی باشد برای توجه هرچه بیشتر به این موضوع.

در اینجا جا دارد از همه هنرمندانی که آثار خود را برای این جشنواره ارسال کردند تشکر کنم. همچنین وظیفه خود می‌دانم که تشکر ویژه‌ای داشته باشم از ریاست حوزه هنری خراسان شمالی که در این سال‌ها همواره همراه جشنواره بوده است. اما قدرانی ویژه بنده نثار کارکنان حوزه هنری استان و هنرمندانی است که برای برگزاری هرچه بهتر این جشنواره دست یاری به این حقیر داده و از هیچ تلاشی برای برگزاری با کیفیت جشنواره فروگذار نکردند. امیدوارم نتیجه این تلاش دسته جمعی مورد قبول هنرمندان و مردم عزیز کشور (که همه این تلاش‌ها برای ایشان است و صاحبان واقعی آثار هستند) واقع شود و ضعف‌های احتمالی را به بزرگواری خود بیخشند. با امید روزهای بهتر.

عباس ناصری، دبیر هنری جشنواره



وی رسیدن جریان فرهنگی به مطالبه عمومی از سوی مردم و دولت‌ها را از مهمترین اهداف سند برشمرد و بیان داشت: تحقق این هدف با دست‌اندرمندان، نخبگان و هنرمندان محقق می‌شود. مدیرکل امور دولت معاونت امور قوا و شوراهای دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر جدی گرفتن این مقوله خواستار ورود جدی‌تر و هنرمندانه‌تر سایر هنرمندان به این بحث شد.

وی ابراز امیدواری کرد: با تصویر سازی رویای ایران در ۱۴۰۴ در مدت کوتاه، تبدیل آن به جریان عمومی در بین مردم سریع‌تر محقق شده و به اهداف ترسیم شده در سند دست یابیم.

نقش ویژه هنرمندان در خلق رؤیای آینده

معاون برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی امور

معاونت امور قوا و شوراهای دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاون برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی امور استان‌های حوزه هنری کشور، رییس حوزه هنری خراسان شمالی، شهردار و اعضای شورای اسلامی بجنورد، معاون هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان شمالی و هنرمندان رشته‌های مختلف هنری برگزار شد.

ترسیم سند چشم‌انداز بر بستر فرهنگی

مدیرکل امور دولت معاونت امور قوا و شوراهای دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام در این آیین از سند چشم‌انداز به عنوان یک خلق فرهنگی یاد کرد و گفت: احراز جایگاه اول اقتصادی و سیاسی در منطقه که در این سند ترسیم شده با وجود اینکه شکل اقتصادی دارد ولی بستر آن فرهنگی است.

شرایط پیرامونی می‌توانند بسیار تأثیرگذار باشند. رییس حوزه هنری خراسان شمالی ادامه داد: هنرمندان با ذهن خلاق و نکته‌سنج خود، وضعیت مطلوب جامعه را در قالب اثر هنری ترسیم می‌کنند. وی با اشاره به ابلاغ سیاست‌های سند چشم‌انداز از سال ۸۴ تاکنون اظهار داشت: تا امروز اقدام هنری خاصی در جهت ترویج و تبیین این سند صورت نگرفته است. وی افزود: کارشناسان معتقد هستند برای تبیین این سند باید از هنرمندان بخش‌های مختلف استفاده شود که در همین راستا این جشنواره مزین به موضوع ایران ۱۴۰۴ شده است. مرادی ابراز امیدواری کرد: مردم با دیدن آثار کاریکاتور و

وی از حوزه هنری به عنوان نهادی یاد کرد که در تمام شاخه‌های هنری فعالیت داشته و گفت: از دو سال گذشته این خلاء احساس شد که می‌توان با بسیج هنرمندان در عرصه‌های مختلف به تحقق سریع‌تر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جامعه عمل پوشاند. ضامنی یادآور شد: در همین راستا سال گذشته با امضای تفاهنامه‌ای با دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، برنامه‌ای برای هنرمندان کشور رقم خورد که پایه‌گذار جشنواره هنری ایران آئینده باشیم. **جشنواره کاریکاتور، پیشگام یک حرکت عظیم** رییس حوزه هنری خراسان شمالی نیز در ادامه این آیین

استان‌های حوزه هنری کشور نیز در این مراسم با اشاره به تأثیر شگرف هنر برای رسیدن به اهداف گفت: نباید تأثیر هنر را در این میان نادیده گرفت و اگر می‌خواهیم برای آئینده ایران اسلامی رؤیای دست‌یافتنی به وجود آوریم، هنرمندان در خلق این رؤیای نقش بسزایی دارند. داوود ضامنی با تأکید بر استفاده از ظرفیت هنر برای خلق آئینده مطلوب که همه‌آحاد جامعه در آن نقش دارند، افزود: در همین راستا تلاش شده تا چند سال آئینده از ظرفیت هنرمندان برای خلق یک رؤیای ملی بیشتر استفاده کرد. وی با بیان اینکه هنر رؤیاساز است اظهار داشت: تجربه کشورهای که صاحب چشم‌انداز هستند نشان می‌دهد



آثار مشابه، با اهداف سند هماهنگ و همراه شوند و هنرمندان نیز مردم را برای رسیدن به جامعه متعالی و پیشرفته همراهی و تهییج کنند. بر اساس رأی داوران محمدرضا ثقفی از استان البرز شهرستان کرج، آیت نادری از استان اصفهان و مجتبی حیدرپناه از استان فارس شهرستان آباد، به عنوان نفرات اول تا سوم معرفی شدند. پویا عبدلی، حمید قالیچاری، فرهاد رحیم قراملکی، علیرضا پاکدل، سعید صادقی، محمود نظری، ناصر همتی‌راد، سید حامد علوی مرتضوی، فرزانه وزیری تبار، مجتبی فیضی، هدیه صدیقه کسمایی و مهدی عزیزی نیز هنرمندانی بودند که شایسته تقدیر شناخته شدند. در این جشنواره تعداد ۳۷۱ اثر از ۱۵۲ هنرمند ۲۲ استان کشور شرکت داشتند که در نهایت ۸۰ اثر از ۶۱ هنرمند به نمایشگاه راه یافتند و از برگزیدگان با اهدای لوح و تندیس جشنواره، قدردانی شد.

از ششمین جشنواره حوزه هنری به عنوان پیشگام در یک حرکت عظیم یاد کرد و گفت: کاریکاتور اولین قالب هنری است که به این جشنواره لبیک گفت. میثم مرادی بیناباج برگزاری این جشنواره را مدیون همراهی و لطف مسئولان استانی و کشوری و هنرمندانی دانست که هم‌اندیشی و خلق اثری پیرامون یک موضوع مهم و تأثیرگذار در سطح کلان، از مهم‌ترین ویژگی‌های آنها است. مرادی تصریح کرد: موضوعات این جشنواره از قبیل جمعیت، تحریم و جنگ نرم، غالباً نو، بدیع، مهم و تأثیرگذار در جامعه هستند. وی خاطرنشان کرد: اگر جامعه می‌خواهد زنده و پویا تعریف شود باید با همه‌آحاد جامعه و افراد برای رسیدن به یک هدف مشترک استفاده کند که در این میان نخبگان و هنرمندان، با اثر هنری خود و درک و دریافت متفاوت و خاص نسبت به

وقتی کسی را می‌خواهند به بطن جامعه بکشاند از ظرفیت هنرمندان استفاده می‌کنند. ضامنی با تأکید بر اینکه نباید قدرت هنر را دست‌کم گرفت، خاطر نشان کرد: هنرمندان در سه عرصه نقد وضع گذشته و حال، تصویرسازی یک آئینده مطلوب و تهییج مردم برای تحقق آئینده می‌توانند با سند چشم‌انداز مواجه شوند. وی افزود: در این میان هنرمندان کاریکاتور بیست می‌توانند در سطح اول با تصویر کشیدن نقاط ضعف مدیریت‌های کشور، فرصت‌سوزی‌ها و خلاءهایی که در کشور وجود دارد به زبان هنرمندانه، ایفای نقش کنند و مشکلات را مورد نقد قرار دهند. معاون برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی امور استان‌های حوزه هنری کشور کاریکاتور را برگرفته از بزرگ‌نمایی واقعیت‌ها با زبان دلنشین دانست که وقتی کسی این اثر را می‌بیند پیامدهای مثبتی از آن دریافت کند.

حمید قالیچاری:

جشنواره سراسری کاریکاتور خراسان شمالی هر سال بهتر از سال گذشته برگزار می شود و اگر به همین روال پیش برود آینده خوبی را خواهد داشت. این جشنواره را همه هنرمندان کارتونیست کشور هم از لحاظ کیفی و هم کمی قبول دارند و مدیران و مسئولان فرهنگی استان نیز در تدویم این جشنواره نقش بسزایی داشته اند.

برگزاری ۶ دوره جشنواره سراسری کاریکاتور در شهرستان بجنورد که با تلاش کاریکاتورریست های استان و نگاه ویژه حوزه هنری خراسان شمالی به این هنر انجام شده، جای دارد که توسط دیگر استان ها مورد الگوبرداری قرار گیرد.

هنرمندان از جشنواره کاریکاتور حوزه هنری خراسان شمالی می گویند:

**آینده روشن
 جشنواره کاریکاتور
 خراسان شمالی**

در حاشیه برگزاری ششمین جشنواره سالانه حوزه هنری خراسان شمالی، فرصتی دست داد تا با تعدادی از کارتونیست های جوان کشور گفتگو کرده و نظر آنها را درباره کم و کیف برگزاری جشنواره در سال های گذشته جویا شویم.

کشور تاکنون برگزار نشده است که ارتباط خوب دبیر جشنواره با کارتونیست ها و حمایت مسئولین استان و مبلغ جوایز از دلایل موفقیت این جشنواره است.

بکر و جدید بودن موضوع جشنواره امسال تمام کارتونیست ها را مجبور کرد تا کار تولیدی داشته باشند که این عمل هوشمندی خاصی را در برداشت.

سید حامد مرتضوی علوی:

جشنواره های حوزه هنری خراسان شمالی کیفیت قابل قبولی در میان کارتونیست های کشور دارد، چرا که کیفیت جشنواره ها به عناصر مختلفی از جمله برگزاری منظم، حضور داورهای تراز اول کشوری، مراسم اختتامیه در شان جشنواره و هنرمندان و چاپ کاتالوگ از آثار راه یافته هنرمندان به



سید حامد مرتضوی علوی



محمود نظری



جلال پیرمرزآباد



حمید قالیچاری

نمایشگاه بستگی دارد که حوزه هنری خراسان شمالی کلیه این موارد را در خود داراست و از این حیث رضایتمندی کارتونیست های سراسر کشور را جلب کرده است.

ارتباط خوب و مستمر دبیر جشنواره آقای عباس نصری که خود کارتونیست بین المللی هستند با هنرمندان شرکت کننده شرایط مساعدی را برای کارتونیست ها فراهم کرده است تا به تبادل تجارب در عرصه هنر کاریکاتور بپردازند و این یکی از مواردی است که کمتر در سایر جشنواره ها دیده می شود، و از همه مهمتر اینکه حوزه هنری این استان تجربه برگزاری شش دوره موفق این جشنواره را با خود به همراه دارد که خود باعث شده کاستی کمتری در آن دیده شود و نگاه مثبتی به جشنواره وجود داشته باشد.

موضوعاتی که حوزه هنری خراسان شمالی در جشنواره های کاریکاتور خود انتخاب می کند تماما نو و تازه بوده و همیشه برای اولین بار در سطح کشور عنوان می شود و هنرمندان را در جهت تولید آثار بکر و جدید یاری کرده است.

عنوان این جشنواره توانست آینده های روشن را با زبان گویا و بین المللی کارتون برای همگان ترسیم کند چرا که ایران آینده در افاق ۱۴۰۴ یک جامع نگری و آینده نگری کلی را با خود دارد و شناخت این موارد برای عموم از طریق کارتون راحت تر خواهد بود.

جشنواره ایران آینده در افاق ۱۴۰۴ شامل تمامی معانی پیشرفت و ترقی در کلیه زمینه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هنری می شود اما تبیین این معانی و اهداف والای آن برای همگان می تواند از طریق این جشنواره صورت پذیرد و مسیر راه را روشن نماید.

درک کند. من استان خراسان شمالی را همیشه برای دیگر استان ها مثال می زنم، خراسان شمالی برای برگزاری جشنواره کاریکاتور از حداقل امکانات استفاده کرده است اما همه نگاهها به تهران است، ولی من می گویم باید از تجربه های خراسان شمالی به عنوان الگوی جشنواره مطلوب استفاده کنیم.

اتفاقات کاریکاتور خراسان شمالی بهترین اتفاقات کاریکاتور کشور است و تیم برگزاری جشنواره های استان و حوزه هنری خراسان شمالی، مهم ترین جشنواره های کاریکاتور کشور را رقم می زنند.

محمود نظری:

حوزه هنری خراسان شمالی توانسته این جشنواره را هر سال به طور مرتب در شش دوره برگزار کند که با این فعالیت ارزنده اش می تواند الگوی دیگر حوزه های هنری در سطح کشور باشد و به جرات می توان گفت جشنواره سراسری کاریکاتور خراسان شمالی یکی از بهترین جشنواره ها در سطح کشور است و حتی در خارج از کشور چنین جشنواره ای برگزار نمی شود.

خراسان شمالی به عنوان برگزار کننده جشنواره کاریکاتور در بین هنرمندان کاریکاتورریست شناخته شده است و این هنرمندان هر سال منتظر برگزاری این جشنواره هستند و استقبال خوبی از این جشنواره دارند و برگزاری همین جشنواره ها به پیدا کردن جایگاه و معرفی این هنر به مردم و مسئولان کمک می کند.

مداوم بودن جشنواره سراسری کاریکاتور خراسان شمالی یکی از نقاط مثبت این جشنواره است و چنین جشنواره ای در

این جشنواره هر سال در حال بهتر شدن است و در هر دوره از نظر محتوا برگزاری و جوایز با توجه به امکانات کمی که دارد در حال طی کردن رشد تکاملی است.

تمام این اتفاقات خوبی که در حوزه کاریکاتور در استان خراسان شمالی می افتد به خاطر تلاش هنرمندان کاریکاتورریست و توجه ویژه مسئولین این استان است که امیدوارم استان های دیگر نیز این استان را سرلوحه کار خود قرار دهند

جلال پیرمرزآباد:

جشنواره کاریکاتور خراسان شمالی از لحاظ کیفی و کمی جشنواره مطلوبی است و حتی خیلی بهتر از جشنواره های سراسری و بین المللی برگزار شده است.

انتخاب موضوع جشنواره اگر به گونه ای باشد که بتواند مولد کاریکاتور باشد، مستقیما در کیفیت جشنواره اثر گذار است که موضوع جشنواره امسال نیز به دلیل ناب بودنش موجب شد تا کارتونیست ها کارهای تولیدی داشته باشند که این امر به کیفیت جشنواره افزود.

کارتونیست های کشور ارتباط خوبی با این جشنواره برقرار کرده اند و سعی می کنند هر سال در این جشنواره شرکت کنند که دلیل آن تدویم این جشنواره و نحوه اطلاع رسانی خوب آن است.

مفهوم کاریکاتور لذت بخش است و هر اتفاقی که به صورت مکتوب باشد شاید آنقدر بازخورد و بازتاب نداشته باشد ولی با یک کاریکاتور در هر کجای دنیا می توان کل مطلب را رساند، رسانه کاریکاتور خاص است و هر کس در هر جای دنیا می تواند کاریکاتور را با هر زبان و فکر و گرایشی که دارد



برگزیدگان پنجمین
جشنواره کاریکاتور
حوزه هنری خراسان
شمالی
با موضوع جمعیت

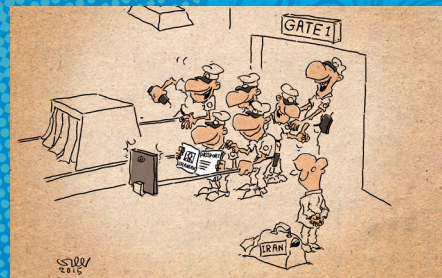
برگزیدگان ششمین سالانه جشنواره سراسری کاریکاتور حوزه هنری خراسان شمالی



محسنی حیدر بنیاد / آباده / مقام سوم



آیت نادری / اصفهان / مقام دوم



محمدرضا تقفی / کرج / مقام اول



محسنی فیضی / فولادشهر / تقدیر شده



فرهاد رحیم قرا ملکی تبریز / تقدیر شده



حمود نظری / همدان / تقدیر شده



حمید صادقی / جهرم / تقدیر شده



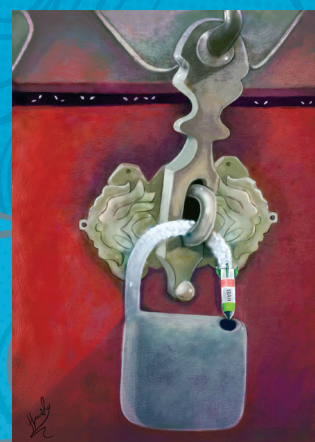
هدیه صدیقی گسماپی / رشت / تقدیر شده



فرزانه وزیري نیار / یزد / تقدیر شده



مهدی عزیزی / اراک / تقدیر شده



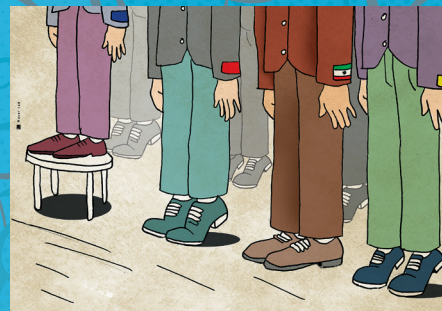
حمید قالیچاری / کرمانشاه / تقدیر شده



حامد مرتضوی علوی / بجنورد / تقدیر شده



علیرضا پاکدل / مشهد / تقدیر شده



ناصر هسني زاد / بجنورد / تقدیر شده

ایران آینده در سال ۱۴۰۴ ویژه نامه ششمین جشنواره سالانه کاریکاتور حوزه هنری خراسان شمالی

مدیرمسئول: میثم مرادی بیناباج دبیر اجرایی: وحید تعازی دبیر هنری: عباس ناصری دبیر تحریریه: علی مهدی دوست طراحی و صفحه آرایی: آنتلیه گرافیک سایان طراحی لوگو: جلال پیبرمرزآباد روابط عمومی: کامبیز فروغی عکس: محمد کریمی مقدم، پیمان حمیدی پور با سپاس از همکاری همه عزیزانی که در برگزاری جشنواره و تولید این ویژه نامه ما را یاری کردند.

آدرس: بجنورد، چهارراه شهدای دانش آموز، مدرس ۴۲، پلاک ۷۳، حوزه هنری خراسان شمالی ۳۲۲۸۸۱۱۳/۱۴ (۰۵۸) www.artbojnourd.ir

